

## ریسک نکنید

هشدار سیدحسین مرعشی به مسئولان ارشد کشور: هر تدبیر سیاسی و نظامی و هر عقب‌نشینی تاکتیکی که لازم باشد، باید انجام شود تا ایران حفظ شود و مردم بیش از این تحت فشارهای روزافزون قرار نگیرند

## طاعون نارنجی



نصب مجسمه‌ای برهنه از

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده

با نام «طاعون نارنجی» در ساختمان

پارلمان اروپا، شکاف میان اروپا و آمریکا را

وارد مرحله جدیدی کرده است

سازندگی به این موضوع پرداخته است

مردی کوچک‌اندام زیر بار سنگینی

خم شده است؛ بر شانه‌های او

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا،

برهنه نشسته و گویی قصد ندارد

به این زودی‌ها پائین بیاید. پیکره‌ای که بر بدنش ورقه‌های طلای ۲۳ عیار می‌درخشد، در نگاه نخست شاید به اثری طنزآمیز یا حتی عجیب در یک نمایشگاه هنری شباهت داشته باشد. اما پیام نوشته شده زیر آن جای چندانی برای تردید باقی نمی‌گذارد. اینجا قرار نیست صرفاً با تصویری نامتعارف از یک رئیس‌جمهور روبه‌رو شویم؛ اثر، روایتی از قدرت، مسئولیت و هزینه‌ای است که دیگران ممکن است برای جاه‌طلبی‌های یک رهبر بردازند. این مجسمه ۲.۶ متری که در ساختمان پارلمان اروپا در استراسبورگ فرانسه به نمایش درآمده «طاعون نارنجی» نام دارد. ینس گالشوت، هنرمند دانمارکی آن را ساخته و پیام حک شده زیر پیکره استعاره اصلی اثر را توضیح می‌دهد: «من روی پشت مردی نشسته‌ام. او زیر بار سنگین من در حال فرو رفتن است. برای کمک به او هر کاری خواهم کرد. جز اینکه از پشتش پائین بیایم. شاه بی‌عدالتی». انتخاب چنین تصویری برای نمایش در قلب یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاسی اروپا تصادفی نیست. در دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، روابط واشنگتن و متحدان اروپایی‌اش با اختلاف‌هایی بر سر امنیت، تجارت، مهاجرت، گرینلند و سیاست‌های اقلیمی روبه‌رو شده است. مجسمه گالشوت این اختلاف‌ها را به زبانی تصویری و تند بازگو می‌کند؛ زبانی که به‌جای بیانیه‌های دیپلماتیک و عبارت‌های محتاطانه از بدنی برهنه، شانه‌هایی زیر فشار و رهبری سخن می‌گوید که حاضر نیست، بار خود را سبک کند.

ادامه در صفحه ۳

## همیشه متهم!

محمدجواد ظریف در حاشیه رونمایی از ۳ کتاب تازه‌اش مطرح کرد: هفته گذشته همزمان؛ سلطنت‌طلبان در آمریکا و تندروها در مقابل دفترم در تهران، کارزار و تجمع داشتند



یادداشت روز

## جامعه را به نقطه جوش نرسانید

چرا پیاده‌روی در خیابان باید به مسئله‌ای انتظامی تبدیل شود؟!



فرزانه ترکان

عضو شورای مرکزی و معاون فرهنگی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

اخیراً رئیس پلیس اماکن تهران در اظهاراتی درباره حضور جوانان در پیاده‌روها و خیابان‌های مشخصی از پایتخت سخن گفته است؛ اظهاراتی که این نگرانی را ایجاد می‌کند که حتی پیاده‌روی و معاشرت‌های معمول شهروندان نیز با محدودیت روبه‌رو شود. به‌منظر می‌رسد هیچ منطق و دلیل قانع‌کننده‌ای برای چنین محدودیت‌هایی وجود ندارد. این موضوع در شرایطی مطرح می‌شود که جامعه با مشکلات شدید اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند. قیمت دلار از ۲۷۰ هزار تومان عبور کرده، هزینه‌های زندگی به‌شدت افزایش یافته و بخش بزرگی از مردم، به‌ویژه جوانان، با بیکاری، نداشتن شغل ثابت و درآمد نامنظم مواجهند. برای بسیاری از جوانان حتی رفتن به کافی‌شاپ به دلیل افزایش قیمت‌ها به تفریحی پر هزینه تبدیل شده است. در چنین وضعیتی، یکی از معدود تفریحات باقی‌مانده برای آنان پیاده‌روی در بعضی خیابان‌های شهر، خرید مختصر از دست‌فروشان و گفت‌وگو با دوستان است. محدود کردن همین امکان ساده، اقدامی عجیب و تعجب‌برانگیز است. متأسفانه شاهد آن هستیم که گروهی خاص روزبه‌روز بر محدودیت‌های اجتماعی شهروندان می‌افزایند و دامنه آزادی‌های فردی و اجتماعی را تنگ‌تر می‌کنند. نتیجه چنین رویکردی، تشدید فشارهای روانی بر مردمی است که پیش‌تر نیز زیر بار مشکلات اقتصادی و اجتماعی قرار دارند. امروز خانواده‌ها علاوه بر مشکلات معیشتی با نگرانی‌های مربوط به سلامت، کمبود دارو، افسردگی و اضطراب روبه‌رو هستند. دخل‌وخرج بسیاری از خانوارها با یکدیگر تناسب ندارد و حقوق برخی کارکنان حتی تا دهم ماه نیز کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد. در کنار این فشارها، محدودیت‌های مربوط به اعتراضات اجتماعی نیز بر نارضایتی‌ها افزوده است. این پرسش جدی وجود دارد که چرا گروهی می‌توانند آزادانه به تیم مذاکره‌کننده و مسئولان ارشد بتازند، اما اعتراض شهروندان به گرانی، مشکلات معیشتی، اخبار مربوط به پرونده‌های ترستی و تخلفات اقتصادی با محدودیت مواجه می‌شود؟ از مردم خواسته می‌شود به دلیل شرایط جنگی و حساسیت اوضاع کشور، سکوت کنند و اعتراض خود را کنار بگذارند. همزمان، همان امکانات محدود تفریحی و اجتماعی جوانان نیز هدف محدودیت‌های تازه قرار می‌گیرد؛ از دورهم‌نشینی در خیابان‌ها تا ممنوعیت قلیان و اجرای موسیقی در رستوران‌ها و کافه‌ها. واقعاً روشن نیست چرا باید پیاده‌روی شهروندان در خیابان آن هم به این دلیل که به تعبیر برخی مسئولان «هدف مشخصی ندارند» مسئله‌ای انتظامی تلقی شود. شهروند برای قدم‌زدن در فضای عمومی ملزم نیست، هدف خود را توضیح دهد. حتی اگر کسی بدون مقصد مشخصی در خیابان راه برود این موضوع به‌خودی خود ارتباطی با وظایف نهادهای انتظامی ندارد. همین پرسش درباره محدود کردن موسیقی مجاز در کافه‌ها و رستوران‌ها نیز مطرح است. چرا باید فعالیت یک واحد صنفی به دلیل پخش موسیقی مجاز با تهدید تعطیلی مواجه شود؟ گسترش مقررات محدودکننده بدون ارائه دلایل روشن و قابل دفاع، تنها بر احساس نارضایتی می‌افزاید. نگرانی اصلی این است که چنین تصمیم‌هایی، آگاهانه یا ناآگاهانه، به عصبانیت‌تر شدن جامعه و نزدیک شدن آن به نقطه جوش منجر شود. تجربه اعتراضات سال ۱۴۰۱ پس از جان باختن مهسا امینی نشان داد که انباشت نارضایتی و فشارهای اجتماعی تا چه اندازه می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای داشته باشد. امروز نیز افراد دلسوز و آگاه جامعه نگرانند که ادامه این روند به بروز ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود. ضروری است مسئولان، به‌ویژه دولتمردان، نسبت به پیامدهای چنین تصمیم‌هایی حساسیت بیشتری نشان دهند و برای کاهش فشارهای اقتصادی، اجتماعی و روانی مردم اقدام کنند. جامعه بیش از هر زمان دیگری به آرامش نیاز دارد. نباید با محدود کردن ساده‌ترین امکانات زندگی روزمره، به‌ویژه برای جوانان، بر فشارهای موجود افزود و زمینه نارضایتی بیشتر را فراهم کرد.



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



سال نهم شماره ۲۳۴۹  
یک‌شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۵



گزارش روز

## همیشه متهم!

محمدجواد ظریف در حاشیه رونمایی از کتاب تازه‌اش مطرح کرد: هفته گذشته همزمان؛ سلطنت‌طلبان در آمریکا و تندروها در مقابل دفترم در تهران، کارزار و تجمع داشتند



**گروه سیاسی:** محمدجواد ظریف، وزیر پیشین امور خارجه و بنیان‌گذار اندیشکده پایاب بسا روایت دو برخورد متضاد با خود در آمریکا و تهران به نقد مسئله «ناترازی شناختی» پرداخت که به باور او، منتها در داخل کشور بلکه در سیاست خارجی آمریکا نیز به خطای محاسباتی و حمله نظامی به ایران منجر شده است.

ظریف گفت: «دوشنبه گذشته با صحنه‌ای سوررئال مواجه شدم. گروهی از بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) و سلطنت‌طلبان به سرکردگی آقای سعید قاسمی‌نژاد، کارزاری به راه انداختند که چرا آمازون کتاب من را عرضه کرده است. مضمون کارزار این بود که چرا کتاب یک «مزدور سپاه پاسداران» را منتشر می‌کنید؟ همان روز در تهران هم گروهی مقابل دفتر من تجمع کرده بودند و می‌پرسیدند چرا این «مزدور آمریکا» اینجا کار می‌کند و محاکمه نمی‌شود».

این سخنان در حاشیه رونمایی از سه کتاب تازه او با عنوان «چالش شناخت و ادراک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، «دیپلماسی ایرانی در جهان پساقطبی» و «جهان پیشرو؛ گفتارهایی پیرامون نظام جهانی» مطرح شد. با این حال محور سخنان ظریف از معرفی کتاب‌ها فراتر رفت و به محدودیت‌هایی رسید که به گفته او، فعالیت‌های فکری و رسانه‌ای‌اش را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند.

ظریف با اشاره به تحریم خود از سوی وزارت خزانهداری آمریکا گفت، واشنگتن دلیل این اقدام را حمایت او از رهبر شهید و نیروی قدس و ایفای نقش به‌عنوان صدای ایران در خارج از کشور اعلام کرده است. او همچنین با اشاره به تأثیر تحریم‌ها بر انتشار آثارش و چاپ آنها در بیروت، گفت که در غرب، ناشران حاضر نیستند، مطالب او را منتشر کنند.

ظریف در ادامه به بازتاب گزینشی سخنرانی دو سال پیش خود نیز اشاره کرد و گفت، بخش کوتاهی از آن را تقطیع کرده‌اند؛ درحالی که به گفته او سخنرانی‌اش در حمایت از رهبر شهید و نیروهای مسلح بوده است. ظریف اما در واکنش به این فشارها، بی‌تی از حافظ را خواند: «وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم / که در طریقت ما کافری‌ست رنجیدن».

با این حال، ظریف بحث را به تجربه شخصی خود محدود نکرد و از آن به موضوع محوری سخنانش، یعنی «ناترازی شناختی»، رسید. او با اشاره به ناترازی‌های اقتصادی و زیرساختی کشور از جمله در حوزه برق، گاز، انرژی، ارز و تجارت، گفت نوعی ناترازی در شناخت واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز وجود دارد که در داخل و خارج از ایران، زمینه‌ساز تنش و سوء تفاهم شده است. ظریف در توضیح این مسئله با اشاره به حملات نظامی به ایران تأکید کرد که آمریکا در ارزیابی توان و واکنش جامعه ایران دچار خطای محاسباتی شده است. وزیر امور خارجه پیشین، خروج آمریکا از برجام و تهاجم نظامی اخیر به ایران را نیز ناشی از همین خطای ادراکی دانست و گفت حتی اعضای یادداشت تفاهم پس از درگیری‌ها نشان داد، تصمیم‌گیران آمریکایی به‌تدریج متوجه هزینه‌های محاسبات اشتباه خود شده‌اند.

ظریف در پایان با اشاره به جمله معروف اساننامه یونسکو مبنی بر اینکه «جنگ‌ها در اذهان انسان‌ها آغاز می‌شوند»، تأکید کرد: «برای ساختن آینده‌ای بهتر باید شنیدن را تمرین کنیم، از دوگانه‌های نادرست فاصله بگیریم، منافع ملی را جامع و چندبعدی ببینیم و به جای گرفتار شدن در گذشته از تجربه‌های تاریخی برای شناخت بهتر فرصت‌های پیش رو استفاده کنیم».

# میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

# ریسک نکنید

هشدار سیدحسین مرعشی به مسئولان ارشد کشور: هر تدبیر سیاسی و نظامی و هر عقب‌نشینی تاکتیکی که لازم باشد باید انجام شود تا ایران حفظ شود و مردم بیش از این تحت فشارهای روزافزون قرار نگیرند

توجه به پیامدهای اقتصادی تصمیم‌های خود، کشور را برای مدتی نامعلوم در وضعیت کنونی نگه دارند. او می‌پرسد: «آیا قرار است بایستیم تا تورم به ۱۰۰درصد برسد؟ بعد دلار به ۲۷۰ هزار تومان برسد و باز هم بایستیم؟ سپس دلار به ۴۰۰ هزار تومان برسد و باز هم بگوئیم باید مقاومت کنیم؟» مرعشی همچنین تغییر مدیران اقتصادی را به‌تنهایی راحل بحران نمی‌داند و تصریح می‌کند: «در وضعیت دشواری که اکنون با آن مواجه هستیم صرف تغییر تیم اقتصادی دولت اتفاق تعیین‌کننده‌ای ایجاد نمی‌کند». او معتقد است مسئله اصلی، فراهم شدن امکان صادرات نفت، فروش محصولات پتروشیمی، بازگشت صنایع فولاد به شرایط مناسب و جبران خسارت‌های جنگ است؛ اقداماتی که به گفته او در شرایط محاصره و بی‌ثباتی اقتصادی یا دشواری روبه‌رو هستند.

**جنگ یا دیپلماسی؛ راه سومی وجود دارد؟**

مخالفت با مذاکره یکی از موضوعات اصلی انتقاد مرعشی در این گفت‌وگو است. او در این باره می‌پرسد: «کسانی که می‌گویند، مذاکره نکنیم باید توضیح دهند که راحل جایگزین‌شان چیست؟» او تأکید می‌کند که ایستادگی ایران در جنگ‌های گذشته به‌معنای مصونیت کشور از پیامدهای ادامه تنش نیست و باقی ماندن در شرایط نه جنگ و نه صلح نیز می‌تواند، خسارت‌های سنگینی به همراه داشته باشد. به گفته او، اگر قرار است مسیر نظامی دنبال شود باید اهداف، امکانات و هزینه‌های آن روشن باشد؛ در غیراین‌صورت، باید راهی برای پایان‌دادن به وضعیت کنونی پیدا کرد. مرعشی در جمع‌بندی این استدلال می‌گوید: «این جنگ یا باید در میدان نظامی پایان یابد یا در میدان دیپلماسی؛ مگر راه سومی



وجود دارد؟» او در عین حال تأکید می‌کند: «دفاع از ایران صرفاً به‌معنای جنگیدن نیست؛ دیپلماسی نیز بخشی از دفاع از کشور است». دبیرکل حزب کارگزاران درباره امکان اعتماد به آمریکا نیز موضعی محتاطانه دارد و می‌گوید: «منی خواهم بگویم می‌توان به ترامپ با اساساً به نظام سیاسی آمریکا اعتماد کرد. بحث این است که ما به‌عنوان طرف ایرانی باید تلاش خود را برای بازگرداندن کشور به شرایط عادی انجام دهیم».

**چه کسی گفته مذاکره خیانت است؟**

مرعشی در ادامه، معتقد است گروه‌های سیاسی می‌توانند، دیدگاه‌های خود را مطرح کنند و مخالفان مذاکره نیز می‌توانند استدلال‌هایشان را به مسئولان ارائه دهند؛ اما مخالفت سیاسی نباید به توهین و اتهام‌زنی علیه مقام‌های کشور تبدیل شود. او با انتقاد از شعارهایی که مذاکره را خیانت می‌دانند، می‌گوید: «معنا ندارد عده‌ای به حرم امام رضا (ع) بروند و در جوار مزار رهبری علیه رئیس‌جمهور و رئیس مجلس شعار بدهند و مذاکره را خیانت بدانند». مرعشی سپس می‌پرسد: «چه کسی گفته که اصالت با جنگ است و صلح اولوی‌تی ندارد؟» به اعتقاد او، تلاش برای جلوگیری از درگیری لزوماً به‌معنای نادیده گرفتن اصول یا چشم‌پوشی از دفاع نیست؛ بلکه می‌تواند بخشی از تدبیر برای حفظ جان انسان‌ها و جلوگیری از خسارت‌های بیشتر باشد. مرعشی همچنین تأکید می‌کند که تصمیم‌گیری درباره سیاست خارجی باید در چارچوب نهادهای مسئول انجام شود. به گفته او پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف و اتخاذ تصمیم از سوی مراجع ذی‌صلاح، همه باید از تصمیم نهایی حمایت کنند.

**واگرایی سیاسی و ضرورت بازگشت عقلانیت**

مرعشی اختلافات سیاسی و تخریب مسئولان را یکی از مشکلات جدی کشور می‌داند. او معتقد است در شرایطی که ایران با فشارهای اقتصادی و امنیتی مواجه است، انتظار می‌رود همگرایی بیشتری میان جریان‌های سیاسی شکل بگیرد؛ اما آنچه مشاهده می‌کند، افزایش اختلاف‌ها و اتهام‌زنی‌هاست. او با اشاره به حملات سیاسی علیه حسن روحانی، محمد خاتمی و دیگر مقام‌های کشور می‌گوید: «امروز ایران با یکی از سخت‌ترین شرایط خود پس از پیروزی انقلاب مواجه است». مرعشی در ادامه تأکید می‌کند: «در چنین شرایط دشواری به‌جای آنکه همگرایی بیشتری در کشور شکل بگیرد با واگرایی گسترده‌ای مواجه

شده‌ایم». او ریشه بخشی از این رفتارها را در غرور سیاسی و نادیده گرفتن واقعیت‌ها می‌بیند و معتقد است، پیروزی یک جریان سیاسی نباید به این تصور منجر شود که آن جریان می‌تواند بدون پاسخگویی هر تصمیمی بگیرد. مرعشی در این زمینه می‌گوید: «ترکیب غرور و جهل باعث می‌شود، افراد به‌راحتی اتهام بزنند، به جایگاه دیگران خدشه وارد کنند و به مقامات کشور، از جمله رئیس‌جمهور، توهین کنند». او همچنین با اشاره به حذف نیروهای سیاسی و مدیریتی، معتقد است محدود کردن دایره تصمیم‌گیری، ظرفیت کشور برای حل مسائل را کاهش می‌دهد. به باور او، اداره کشور به حضور نیروهای توانمند و تصمیم‌گیری مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی نیاز دارد. مرعشی با یادآوری هشدارهای آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی درباره استمرار بحران‌ها می‌گوید: «آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی تأکید می‌کردند، نمی‌توان کشور را برای مدتی طولانی در لبه پرتگاه نگه داشت. کشور باید وارد منطقه امن شود». او ثبات، امنیت و رونق اقتصادی را از نیازهای اصلی ایران می‌داند و معتقد است تضعیف اقتصاد، توان کشور برای تأمین امنیت و ایفای نقش منطقه‌ای را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

**مقابله با نفوذ یا تضعیف ایران؟**

موضوع نفوذ و تسلط اطلاعاتی دشمن، بخش دیگری از گفت‌وگوی مرعشی است. او با اشاره به هدف قرار گرفتن فرماندهان نظامی، مقام‌های ارشد و دانشمندان هسته‌ای، تأکید می‌کند: «نمی‌توانیم بگوئیم مسئله صرفاً نفوذ است؛ موضوع تسلط اطلاعاتی دشمن است». او در ادامه نسبت به طرح‌هایی که به نام مقابله با نفوذ و بیگانگان مطرح می‌شوند، هشدار می‌دهد: «هر اقدامی که بنیان‌های علمی و آموزشی، روابط اقتصادی و روابط بین‌المللی کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد، ضد منافع ملی است». او همچنین درباره طرح‌های مبتنی بر بدبینی گسترده به ارتباطات خارجی تصریح می‌کند: «چنین طرح‌هایی از بنیان اشکال دارند؛ زیرا همه چیز را از زاویه بدبینی و احتمال نفوذ بررسی می‌کنند». به اعتقاد مرعشی، مقابله با تهدیدهای اطلاعاتی نباید به بستن مسیرهای علمی و اقتصادی و افزایش بی‌اعتمادی در جامعه منجر شود. او هشدار می‌دهد: «این رویکرد در نهایت ایران را ضعیف‌تر می‌کند». مرعشی در توضیح پیامدهای چنین سیاست‌هایی، موضع خود را صریح بیان می‌کند: «ایران ضعیف همان چیزی است که نتایج‌و و ترامپ می‌خواهند».

**آتش‌بس پایدار؛ نقطه عطف خروج از بحران**

مرعشی در بخش دیگری از گفت‌وگو، توافق ۱۴ ماده‌ای میان ایران و آمریکا را فرصتی می‌داند که می‌توانست، مسیر کشور را تغییر دهد. او معتقد است باید بررسی شود که چرا توافق به نتیجه نرسید و سهم هر طرف در برهم خوردن آن چه بوده است. مرعشی در ادامه بر ضرورت ایجاد دوباره فرصتی برای خروج از بحران تأکید می‌کند: «ما باید بار دیگر آن نقطه عطف را ایجاد کنیم». به گفته او، دستیابی همزمان به همه خواسته‌ها از رفع تحریم‌ها و برداشته شدن محاصره دریایی تا حفظ تمام ظرفیت‌های هسته‌ای و دفاعی ممکن است در کوتاهمدت امکان‌پذیر نباشد. بنابراین مسئولان باید میان اهداف مختلف اولویت‌بندی کنند. مرعشی می‌گوید: «در برخی موارد باید امتیازهایی بدهیم تا بتوانیم امتیازهای مهم‌تری به دست بیاوریم». او در توضیح محدودیت‌های پیش‌روی کشور تأکید می‌کند: «نمی‌توانیم به تمام خواسته‌های مربوط به انرژی هسته‌ای را حفظ کنیم، هم قدرت دفاعی خود را بدون هیچ تغییری نگه داریم، هم اقتصاد کشور را سامان دهیم و هم بدون مذاکره و صرفاً با قدرت نظامی، آمریکا را از منطقه خارج کنیم». از نگاه دبیرکل حزب کارگزاران، راه خروج از بحران در تبدیل وضعیت نه جنگ و نه صلح به آتش‌بسی پایدار و تکمیل تدریجی مذاکرات نهفته است؛ مسیری که باید همزمان با کاهش فشار اقتصادی، مهار تورم و ایجاد ثبات در بازار ارز دنبال شود. او در این زمینه تصریح می‌کند: «وضعیت نه جنگ و نه صلح باید به آتش‌بسی دائمی تبدیل شود و صلحی شکل بگیرد که مذاکرات مربوط به آن مرحله‌به‌مرحله تکمیل شود».

**هشدار درباره جنگ سوم**

مرعشی در پایان، ضرورت رسیدگی به مشکلات داخلی را با نگرانی از احتمال سوء استفاده بازیگران خارجی از نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی پیوند می‌دهد. او معتقد است برخی کشورهای منطقه ممکن است بر شکاف‌های داخلی ایران حساب باز کنند و از نارضایتی‌های قومی و اقتصادی برای افزایش فشار بر کشور بهره بگیرند. به همین دلیل نیز تأکید می‌کند: «اباید پیش از آنکه نارضایتی‌های داخلی به ابزاری برای فشار خارجی تبدیل شوند برای رفع مشکلات کشور اقدام کنیم». مرعشی با اشاره به دشواری‌های اقتصادی و امنیتی موجود، بار دیگر بر ضرورت تصمیم‌گیری واقع‌بینانه تأکید می‌کند و می‌گوید: «مسئولان کشور باید اولویت‌بندی کنند و متناسب با شرایط امروز ایران، برای نجات مردم، حفظ دستاوردها و استقلال کشور، تصمیمات مهم و سخت بگیرند».

# پیشکش روسی

پوتین و ترامپ برای عرضه گازوئیل به بازارهای جهانی و آمریکا توافق کردند

**گروه بین‌الملل:** توافق دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین، رؤسای جمهور آمریکا و روسیه بر سر ورود فوری گازوئیل روسیه به بازارهای جهانی و آمریکا بار دیگر یک تناقض قدیمی در سیاست واشنگتن را برجسته کرده است؛ جایی که فشار اقتصادی بر مسکو با نیازهای فوری اقتصاد آمریکا برخورد می‌کند. در شرايطی که افزایش قیمت سوخت، هزینه حمل‌ونقل و فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی را بالا برده، دولت ترامپ ظاهراً حاضر شده برای مهار فشارهای تورمی، بخشی از محدودیت‌های نفتی علیه روسیه را به‌طور موقت کنار بگذارد. این توافق در کنار پیامدهای اقتصادی، پرسش‌هایی جدی درباره انسجام تحریم‌های غرب و آینده فشار بر کرملین ایجاد کرده است.

براساس مفاد این توافق، روسیه متعهد شده بیش از ۳۰۰ هزار تن گازوئیل را به‌سرعت تحویل دهد. قرار است پس از این محموله ۵۰۰ هزار تن سپس یک میلیون تن دیگر نیز ارسال شود. برای تسهیل این مبادلات، وزارت خزانه‌داری آمریکا مجوزهای عمومی مشخصی صادر کرده که برخی محدودیت‌های کلیدی علیه شرکت‌های نفتی روسیه را به‌طور موقت معقی می‌کند. چنین اقدامی در مقایسه با سیاست تحریمی واشنگتن پس از حمله روسیه به اوکراین، تغییری قابل توجه محسوب می‌شود.

ادامه تیتیر یک

## طاعون نارنجی

از یک اثر هنری تا بیانیه‌ای سیاسی

گالشتوت در وب‌سایت خود، ترامپ را یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای نظم جهانی مبتنی بر قواعد، ارزش‌های دموکراتیک و تلاش مشترک برای مقابله با بحران اقلیمی توصیف کرده است. او معتقد است، کشورها باید در برابر نفوذی که آن را مخرب می‌دانند، در کنار یکدیگر بایستند. بنابراین «طاعون نارنجی» صرفاً تمسخری از ظاهر رئیس‌جمهور آمریکا نیست؛ این اثر اعتراض هنرمند به نوعی از سیاست‌ورزی است که به باور او، تعهدات مشترک و قواعد بین‌المللی را تحت‌فشار قرار می‌دهد.

پارلمان اروپا نیز برای چنین پیامی بستری نمادین فراهم می‌کند. این نهاد محل حضور نمایندگان کشورهای عضو اتحادیه اروپاست؛ کشورهایی که در سال‌های اخیر همزمان با حفظ پیوندهای امنیتی و اقتصادی با آمریکا ناچار شده‌اند درباره میزان اتکای خود به واشنگتن و حدود اختلاف‌نظر با دولت ترامپ دوباره بیندیشند.

حامیان نمایش این مجسمه، ازجمله قانون‌گذاران چپ‌گرای اروپایی آن را نمونه‌ای از آزادی بیان و هنر اعتراضی در برابر گسترش ملی‌گرایی پوپولیستی راست‌گرا می‌دانند. از نگاه آنان هنر می‌تواند، مسائلی که در زبان رسمی سیاست پشت تعارف‌ها و ملاحظات دیپلماتیک پنهان می‌مانند را آشکار کند. در مقابل، منتقدان محافظه‌کار و میانه‌رو معتقدند نمایش اثری با چنین عنوان و تصویری در یک نهاد رسمی، اقدامی جناحی و تحریک‌آمیز است که ممکن است به‌جای تقویت گفت‌وگو روابط با آمریکا را پیچیده‌تر کند. به این ترتیب خود مجسمه نیز به موضوع مناقشه تبدیل شده است؛ مناقشه‌ای بر سر اینکه مرز میان نقد سیاسی و تحقیر شخصی کجاست و آیا یک نهاد اروپایی باید میزان اثری باشد که آشکارا یکی از رهبران مهم جهان را هدف گرفته است.

قرار است این اثر تا پنج‌شنبه در پارلمان اروپا باقی بماند سپس در ماه نوامبر به ترکیه منتقل شود تا در کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد، کاپ ۳۱ به نمایش درآید. این نخستین حضور بین‌المللی مجسمه نیست. «طاعون نارنجی» نوامبر گذشته در اجلاس اقلیمی کاپ ۲۰ در برزیل نمایش داده شد و در سال ۲۰۲۶ نیز به کنفرانس امنیتی مونیخ، جشنواره ریپبلد دانمارک و تجمع‌های اعتراضی «دست از گرینلند بردارید» در کپنهاگ راه یافت. تکرار حضور آن در چنین رویدادهایی نشان می‌دهد که اثر، فراتر از یک شوخی تصویری به بخشی از اعتراض هنری علیه سیاست‌های دولت ترامپ تبدیل شده است.

زخمی عمیق در روابط آمریکا و اروپا

اگر قرار باشد برای شکاف میان ترامپ و اروپا یک نقطه عطف مشخص شود، مناقشه بر سر گرینلند یکی از مهم‌ترین



و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی با تخفیف سوق داده است.

اکنون معافیت‌های موقت می‌تواند، مسیر تازه‌ای برای صادرات سودآورتر فراهم کند و دسترسی شرکت‌های روسی به درآمدهای ارزی را افزایش دهد. این درآمدها در شرایطی اهمیت دارند که اقتصاد روسیه همچنان هزینه‌های تحریم و جنگ را تحمل می‌کند.

پیام سیاسی توافقی نیز برای پوتین کم‌اهمیت نیست. بازگشت بخشی از انرژی روسیه به بازار آمریکا می‌تواند، نشان دهد که فشارهای اقتصادی غرب برخلاف تصور اولیه، همواره یکپارچه و تغییرناپذیر نیستند. اگر نیازهای مصرف‌کنندگان آمریکایی بتواند به تعدیل محدودیت‌ها منجر شود، مسکو انگیزه بیشتری خواهد داشت تا بر هزینه‌های اقتصادی و سیاسی ادامه تحریم‌ها تأکید کند.

نگرانی اوکراین

در مقابل، این توافق برای اوکراین و منتقدان سیاست ترامپ در کشورهای غربی نگران‌کننده است. استدلال آنان این است که احيای درآمد شرکت‌های انرژی روسیه، حتی در قالب معافیت‌های

روی اروپا قرار داد: اگر واشنگتن برای تأمین اهداف امنیتی خود حاضر باشد درباره قلمرو یکی از متحدانش ادعاهایی مطرح کند، اعتماد متقابل در پیمان‌های فرآتلانتیکی تا چه اندازه پابرجا خواهد ماند؟

ترامپ بعدها از توافقی امنیتی با دانمارک و گرینلند خبر داد که به گفته او زمینه گسترش حضور نظامی آمریکا در این جزیره را فراهم می‌کند. رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی خود در سازمان ملل متحد مدعی شد این توافق کنترل دائمی واشنگتن بر امنیت و دیگر نیازهای گرینلند را تضمین می‌کند و از احداث دو پایگاه نظامی بزرگ آمریکا در این منطقه خبر داد. در مقابل، دانمارک بر بهرسمیت شناختن حاکمیت و تمامیت ارضی پادشاهی خود و حق تعیین سرنوشت مردم گرینلند تأکید کرد. این اختلاف تنها بر بهرسمیت شناختن حاکمیت و تمامیت ارضی پادشاهی خود به قطب شمال محدود نمانده است. سیاست تعرفه‌ای ترامپ نیز روابط اقتصادی دو سوی اقیانوس اطلس را تحت‌فشار قرار داده است. واشنگتن با تهدید به وضع تعرفه‌های جدید و اعمال تعرفه بر کالاهای اروپایی، اختلاف‌ها را تشدید کرد. اگرچه دو طرف در تابستان ۲۰۲۵ به توافقی تجاری رسیدند، پارلمان اروپا در ادامه دو بار روند تصویب آن را متوقف کرد؛ یک بار در واکنش به تهدیدهای تعرفه‌ای تازه و بار دیگر در اعتراض به مناقشه گرینلند. توافق در نهایت در ماه ژوئیه اجرایی شد اما اختلاف‌ها درباره شیوه تعامل با دولت ترامپ همچنان ادامه یافت. اظهارات ترامپ درباره اعتراض‌های دانش‌آموزی در فرانسه، نمونه دیگری از این تنش‌هاست. او در واکنش به اعتراض‌هایی که از اواسط سپتامبر و در پی نگرانی‌ها درباره کمبود منابع و شرایط مدارس آغاز شد، در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال نوشت که آنچه در فرانسه رخ می‌دهد به مهاجرت خارج از کنترل و تلاش اسلام برای در دست گرفتن کنترل این کشور مربوط است نه وضعیت مدارس. این اظهارنظر، موضوعی داخلی در فرانسه را به مناقشه‌ای درباره مهاجرت و هویت ملی پیوند زد و بار دیگر نشان داد که اختلاف‌های واشنگتن با اروپا تنها به تجارت و امنیت محدود نیست.

سیاست زیر ذره‌بین هنر

نمایش این اثر در پارلمان اروپا نیز به‌معنای تأیید رسمی تمام پیام‌های سیاسی آن از سوی این نهاد نیست؛ بلکه نشان می‌دهد چگونه فضای عمومی اروپا به عرصه‌ای برای بیان و رویارویی دیدگاه‌های متفاوت تبدیل شده است. مجسمه گالشتوت قرار نیست، اختلاف‌های واشنگتن و بروکسل را حل کند و بعید است یک اثر هنری به‌تنهایی مسیر سیاست خارجی آمریکا یا اروپا را تغییر دهد. اهمیت آن در جای دیگری است: در تبدیل اختلاف‌های پیچیده بر سر حاکمیت، تجارت، دموکراسی و اقلیم به تصویری ساده و قابل فهم که مخاطب را به پرسش وامی‌دارد.

مرد خم شده زیر بار ترامپ در نهایت فقط نمادی از نگاه انتقادی یک هنرمند به رئیس‌جمهور آمریکا نیست؛ او می‌تواند استعاره‌ای از رابطه‌ای باشد که دو طرف هنوز به آن نیاز دارند اما درباره حدود تعهدات، هزینه‌ها و قواعد آن به توافق نرسیده‌اند.

موقت می‌تواند، منابع مالی مسکو را تقویت کند و از اثربخشی فشار اقتصادی غرب بکاهد. افزایش درآمدهای انرژی همچنین ممکن است، اهرم فشار آمریکا و متحدانش را در مذاکرات احتمالی صلح محدود کند. تناقض دیگر به زیرساخت‌های نفتی روسیه مربوط می‌شود. از یک‌سو حفاظت از عرضه جهانی سوخت مستلزم جلوگیری از اختلال در فعالیت پالایشگاه‌هاست؛ از سوی دیگر، فشار بر همین زیرساخت‌ها یکی از ابزارهای محدود کردن درآمدهای روسیه به‌شمار می‌رود. این دو هدف همیشه با یکدیگر سازگار نیستند. توافق گازوئیلی ترامپ و پوتین نشان می‌دهد که تحریم‌ها در برابر نیازهای اقتصادی قدرت‌های بزرگ، ابزاری ثابت و تغییرناپذیر نیستند. واشنگتن می‌خواهد هم درآمدهای روسیه را محدود کند و هم مانع افزایش هزینه انرژی برای شهروندان خود شود. اما هرگونه عقب‌نشینی از محدودیت‌ها می‌تواند به مسکو فرصت اقتصادی و سیاسی بدهد. پرسش اصلی این است که آیا این گشایش صرفاً اقدامی موقت برای آرام کردن بازار سوخت خواهد بود یا نشانه‌ای از تغییر اولویت‌های آمریکا در برابر روسیه.

اروپا

### تحریم‌های آمریکا علیه لاهه

اروپا مقابل ترامپ ایستاد

تصمیم واشنگتن برای تشدید فشار بر دیوان کیفری بین‌المللی، این نهاد قضایی را به کانون تازه اختلاف میان آمریکا و متحدان غربی‌اش تبدیل کرده است؛ اختلافی که در سایه پیگیری پرونده مقام‌های اسرائیلی به اتهام ارتکاب جنایات جنگی در غزه، ابعادی فراتر از یک مناقشه حقوقی پیدا کرده است. مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، روز جمعه از اعمال تحریم‌های گسترده علیه دیوان خبر داد و هشدار داد، واشنگتن تا زمانی که این نهاد به آنچه «تهدید علیه آمریکایی‌ها» می‌خواند، پایان ندهد به تلاش برای متوقف کردن فعالیت‌های آن ادامه خواهد داد. او اعلام کرد با دیوان به تهدیدهای خود پایان می‌دهد یا آمریکا به کار آن پایان خواهد داد. این تصمیم در ادامه مخالفت دیرینه واشنگتن با صلاحیت قضایی دیوان درباره شهروندان آمریکایی اتخاذ شده است. صدور حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و یوآو گالاتت وزیر جنگ پیشین این رژیم در نوامبر ۲۰۲۴ به اتهام ارتکاب جنایات جنگی در غزه نیز بر تنش‌ها افزوده است. آمریکا و اسرائیل عضو دیوان نیستند اما این نهاد ۱۲۵ کشور عضو دارد. در مقابل آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، دانمارک، هلند، کانادا و ژاپن با صدور بیانیه‌ای مشترک، مخالفت شدید خود را با تحریم‌ها اعلام کردند. این کشورها هشدار دادند که اقدامات آمریکا می‌تواند فعالیت‌های قضایی دیوان، کارکنان و خانواده‌های آنان را تحت‌تأثیر قرار دهد و تلاش‌ها برای پاسخگو کردن عاملان جرایم بین‌المللی را تضعیف کند. هلند و بلژیک نیز این اقدام را محکوم کردند. کمیسیون اروپا نیز تصمیم واشنگتن را «عمیقاً تأسفبار» خواند و تأکید کرد که اتحادیه اروپا از استقلال دیوان حمایت می‌کند. اتونویو گوترش، دبیرکل سازمان ملل نیز هشدار داد که تحریم‌ها، ضربه‌ای جدی به تلاش‌های بین‌المللی برای تحقق عدالت کیفری وارد می‌کند. دیوان هم این اقدامات را تلاشی برای اخلال در اجرای عدالت و ارعاب کارکنانش دانست. در این میان بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل تنها مقامی بود که آشکارا از تصمیم واشنگتن حمایت کرد. او از دونالد ترامپ و روبیو تمجید کرد و دیوان را نهادهی سیاسی خواند که به ادعای او حاکمیت ملی و دموکراسی‌ها را تهدید می‌کند.





سال نهم شماره ۲۳۴۹  
یک‌شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۵

تازه‌های ادب و هنر

کافه

نکوداشت

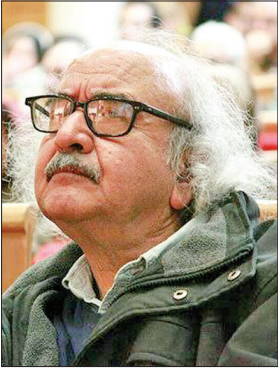
## جانشین شایسته فروزانفر

روایت زنده‌یاد احمد مهدوی دامغانی از اهمیت آثار محمدرضا شفیعی کدکنی

زنده‌یاد احمد مهدوی دامغانی، دانشمند یگانه، فقیه، ادیب و استاد سابق دانشگاه‌های کمریج و هاروارد در گفت‌وگویی که ایرنا به‌مناسبت هشتادوششمین زادروز دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی منتشر کرده با تأکید بر این‌که کار محمدرضا شفیعی کدکنی هرگز بازاری نیست، گفته: «کتاب‌های بسیاری از همان متونی که شفیعی چاپ کرده‌اند، توسط دیگران چاپ شده و به خیال خودشان شرح و تحقیق هم شده است، اما میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است».

**بهترین راوی فروزانفر**

مهدوی دامغانی در این گفت‌وگو که محمد حسینی باغسنگانی آن را انجام داده دربارهٔ پیوند علمی شفیعی کدکنی با مکتب استادان بزرگ پیشین گفته: «این مراده و ارادت متقابل میان شفیعی و فروزانفر خیریت‌های بس فراوانی برای ادبیات فارسی به همراه داشته است. به راستی تعلیمات استاد فروزانفر، بهترین تجلی‌گاه خود را در آثار و تحقیقات استاد شفیعی کدکنی یافته است. شفیعی آموخته‌های خود از محضر فروزانفر را با اجتهادات شخصی و تحقیق روش‌مند خویش درآمیخته‌اند و به بهترین وجه در معرض علم و اطلاع دوست‌داران قرار داده‌اند. بی‌تردید شفیعی بهترین «راوی فروزانفر» هستند و روحیه پژوهشی فروزانفر در تحقیقات ایشان کاملاً منعکس است. البته این امر هرگز مانع از حریت علمی ایشان نشده است؛ چنان‌که در مواردی (مانند حواشی مختارنامه و رباعیات عطار) با کمال احترام گفته‌اند که در فلان مسئله با نظر استاد فروزانفر موافق نیستند و اجتهاد شخصی خود را اعمال کرده‌اند. امروزه هر کس بخواهد یاد و مکتب استادانی چون فروزانفر، استاد همایی، مرحوم بهمنیار و غلامحسین فیاض را زنده ببیند، باید به چهره و آثار شفیعی نگاه کند. اگرچه مقام دیگر بزرگان نیز در جای خود محفوظ است، اما به قول معروف: «بسیار خوبان دیده‌ام، مهر بتان بگریده‌ام / اما تو چیز دیگری...» و شفیعی واقعاً چیز دیگری است».



**دو وصیت پژوهشی فروزانفر به شفیعی**

مهدوی دامغانی در ادامه دربارهٔ دو وصیت پژوهشی فروزانفر به شفیعی، گفته: «کتاب «قلندر به در تاریخ» که انتشار یافت، اثری بس عظیم، پرمعنا و مرجع در نوع خود است که مشخص می‌سازد قلندر چیست، مکان است یا شخص یا خانقاه. اما درباره «اسرارالتوحید» باید بگویم که ایسن کار، محصول دود چراغ خوردن و شب‌زنده‌داری‌های سالیان دراز است. مردم ظواهر کتاب را می‌بینند، اما از رنج‌های پشت پرده خبر ندارند. حدود بیست‌وچند سال پیش که این اثر منتشر شد و استاد شفیعی نسخه‌ای از آن را برای من فرستادند، در عریضه‌ای خدمت‌شان نوشتم: «گویا محمد بن منور که نام کتابش را اسرارالتوحید گذاشته، به یک شرط متأخر در فقه نظر داشته است! شرط متأخر برای تحقق نام این کتاب آن بوده که باید در آینده پژوهشگری چون شفیعی پیدا شود تا این کتاب را بشکافد و اسرار آن را آشکار سازد!» تصورش را بکنید، فقط در این یک کتاب، ایشان درباره نام و نشان نزدیک به ۴۰۰ صوفی، درویش و خانقاه تحقیق کرده‌اند. مثلاً در مورد صوفی بزرگ «ابوالقاسم کرگانی» که دیگران به اشتباه کرگانی می‌خواندند، یا تحقیقات‌شان دربارهٔ مذهب کرامیه، ایشان چنان تدقیق و اشتقاق واژگان را روشن ساختند که انسان مبهور می‌شود. این‌ها همه تجلی توفیق الهی است و توفیق یعنی همین که نصیب هر کس نمی‌شود».

**شوق دیدار**

احمد مهدوی دامغانی دربارهٔ حضور شفیعی کدکنی به‌عنوان استاد مدعو در دانشگاه هاروارد در سال ۱۳۷۹ و خاطرات آن دوره هم گفته: «آن دو سالی که ایشان در هاروارد تشریف داشتند، از خوش‌ترین ایام زندگی من در آمریکا بود؛ به قول حافظ: «ایام خوش آن بود که با دوست به سر رفت / باقی همه بی‌حاصلی و بلهوسی بود». بنده آن زمان شوقم برای رفتن از فیلادلفیا به هاروارد بیشتر از هر وقت دیگری بود، چون می‌دانستم شفیعی را می‌بینم. نکته‌ای که مایلم بگویم، تقوای مذهبی و پایبندی شدید ایشان به احکام شرعی بود. در هاروارد، ایشان به من فرمودند به دلیل اطمینان نداشتن از تزکیه شرعی گوشت‌ها در آمریکا، گوشت مصرف نمی‌کنند و غذاهای ساده مانند تخم‌مرغ میل می‌کنند. من از فروشگاه‌های معتبر فیلادلفیا گوشت حلال و ذبح اسلامی تهیه می‌کردم و با زحمت و اصرار برایشان می‌ردم تا مصرف کنند. این دقت نظر در رعایت حلال و حرام، در کنار آن مقام والای آکادمیک، شفیعی کدکنی را به انسانی بی‌نظیر بدل ساخته است. حضور ایشان در هاروارد منشأ برکات زیادی برای دانشجویان بود و امیدوارم باز هم جامعه علمی از وجود مبارک‌شان بهره‌مند شود».

# از جای ویسکویت تا نوبل ادبیات

ماجراهای روز غافل‌گیری آن کارسون

نویسنده در پاسخ به پرسشی دربارهٔ محل زندگی‌اش گفت در ریکیاویک (پایتخت ایسلند) زندگی می‌کند؛ خانه‌ای در کنار دریا که چشم‌اندازی رو به آب‌های شمال‌گان دارد. او سپس افزود: «بخشید که برای شما چندان دراماتیک رفتار نمی‌کنم. این‌جا فقط یک روز عادی است».

کارسون در پاسخ به این پرسش که جایزهٔ نوبل چه معنایی برای او دارد؟ گفت: «هنوز به آن فکر نکرده‌ام. فقط داریم به راه‌هایی برای بخشیدن پول جایزه فکر می‌کنیم. دوستی داریم که به خانه نیاز دارد و ما هم همیشه کمک‌های زیادی به سازمان پزشکان بدون مرز می‌کنیم. از این‌جور کارها». وقتی از این نویسنده سوال شد چگونه این خبر غیرمنتظره را جشن خواهد گرفت، پاسخ داد: «می‌خواهیم به جنگل برویم و قدم بزیم تا مجبور نباشیم به تلفن جواب بدهیم؛ راستش را بخواهید، می‌خواهیم به سکوت گوش بسپاریم».

بخش دیگری از این گفت‌وگو به آثار و شیوهٔ نویسندگی کارسون اختصاص داشت. وقتی از او خواسته شد، نویسنده‌ای خود را برای کسانی که آشنایی چندانی با آثارش ندارند توصیف کند، پاسخ داد: «ناخواسته؛ این‌طور توصیفش می‌کنم. من همیشه سعی می‌کنم کار دیگری انجام بدهم».

**میان‌ه را پیدا کنید و از آن‌جا شروع کنید**

در ادامه، مصاحبه‌کننده از او پرسید کسی که خواهد با کتاب‌ها و آثارش آشنا شود، بهتر است از کجا شروع کند؟ کارسون گفت: «نمی‌دانم. تقریباً از هر جایی می‌شود شروع کرد. بیشتر مردم زندگی‌نامهٔ خودنوشت را می‌خوانند. خودم آن را خوانده‌ام و به نظر قابل‌فهم است. اما نمی‌دانم؛ من همیشه می‌گویم از میان‌ه شروع کنید». او

آن کارسون در نخستین گفت‌وگوی خود پس از اعلام خبر دریافت جایزهٔ نوبل ادبیات، دربارهٔ عادت‌های روزمره، شیوه نوشتن، الهام گرفتن از ادبیات کلاسیک و توصیه‌اش به نویسندگان جوان صحبت کرد.

جنی ریدن از بنیاد نوبل در ابتدای این گفت‌وگو ضمن تبریک به آن کارسون، از او پرسید که در لحظه دریافت خبر برنده شدن جایزه نوبل ادبیات ۲۰۲۶ چه احساسی داشته و چگونه از این اتفاق مطلع شده است؟ کارسون در پاسخ گفت: «فقط دارم ویسکویت می‌خورم و یک فنجان چای می‌نوشم. هنوز اتفاق دراماتیکی نیفتاده است. هنوز صبح است. در آشپزخانه نشسته‌ام، مجلهٔ «لندن ریویو آو بوکس» را می‌خوانم و چای می‌نوشم. متوجه شدم که کف خانه به جارو کردن نیاز دارد، بنابراین سریع از جایم بلند شدم تا آن را جارو کنم. بعد هم این همه تماس تلفنی شروع شد که مدام قطع‌شان می‌کردم، چون عادت دارم هر وقت تلفن زنگ می‌خورد، آن را خاموش کنم». رابرت کوری، همسر این نویسنده نیز در میان صحبت‌ها وارد گفت‌وگو شد و با لحنی شوخ‌طبعانه گفت: «من همسرش هستم و او به من بدهکار است، چون من بودم که وادارش کردم با شمارهٔ شما تماس بگیرد». کارسون در ادامه توضیح داد: «بله؛ او به تلفن جواب می‌دهد و بعد از من می‌خواهد تماس بگیرم. به نظر همه چیز کمی دیوانه‌وار است. فکر می‌کنم همه شما دیوانه‌اید».

**می‌خواهیم به سکوت گوش بسپاریم**

وقتی مصاحبه‌کننده از او پرسید چرا این اتفاق برایش عجیب و باورنکردنی است و آیا انتظار دریافت این جایزه را نداشته است؟ کارسون پاسخ داد: «خب، آخر چه کسی ممکن است انتظار چنین چیزی را داشته باشد؟» این

گزارش: تئاتر ایران

## حماسه در محاق

نگاهی به کنسرت‌نمایش «سیاوش» به کارگردانی حسین پارسایی

فردوسی است؛ داستانی سرشار از مفاهیمی چون پاکدامنی، وفاداری، صلح‌طلبی، خیانت و ستم که ظرفیت‌های فراوانی برای اقتباس نمایشی دارد.

**چالش گسترده‌ی**

حسین پارسایی نیز با اجرای کنسرت‌نمایش «سیاوش» در باشگاه انقلاب، مدتی است این روایت اسطوره‌ای را به صحنه آورده است؛ اما متأسفانه اجرا نتوانسته است آنطور که باید، از این داستان پرکشش روایتی منسجم و تأثیرگذار ارائه دهد. یکی از مشکلات اصلی این اجرا، تلاش برای گنجاندن بخش بزرگی از زندگی سیاوش در مدت زمانی حدود دو ساعت است. پارسایی به یک مقطع مشخص از زندگی این شخصیت بسنده نکرده و کوشیده است مسیر زندگی او را از کودکی تا مرگ به تصویر بکشد؛ اما گسترده‌ی داستان و حذف جزئیات ضروری، موجب شده روایت به مجموعه‌ای از صحنه‌های پراکنده تبدیل شود. شتاب‌زدگی در پیشبرد ماجراها نیز فرصت کافی برای شکل‌گیری موقعیت‌های دراماتیک و برقراری ارتباط عاطفی مخاطب با شخصیت‌ها باقی نمی‌گذارد. در نتیجه، تماشاگر فرصت نمی‌یابد با جهان داستان همراه شود و عمق تراژدی سیاوش را به‌درستی درک کند. از سوی دیگر، نمایش از نظر دراماتورژی نیز با ضعف‌های جدی روبه‌روست. متن و ریتم اجرا به انسجام لازم نرسیده‌اند و پیوند میان صحنه‌ها، آنطور که باید، شکل نمی‌گیرد. داستانی با این میزان از ظرفیت‌های دراماتیک، بیش از هر چیز به انتخاب هوشمندانه مقاطع اصلی روایت، پرداخت دقیق شخصیت‌ها و ایجاد تعادل میان لحظات پرتنش و بخش‌های آرام‌تر نیاز دارد؛ عناصری که در این اجرا چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

کنسرت‌نمایش «سیاوش» همچنین از حضور یک گروه موسیقی کامل، برخلاف بسیاری از اجراهای این قالب، بهره نمی‌برد و بخش موسیقایی آن عمدتاً بر حضور علی زندوکلی، خواننده اثر، متکی است، با توجه به ظرفیت‌های حماسی داستان و امکان بهره‌گیری از موسیقی برای تقویت فضای اسطوره‌ای، انتظار می‌رفته موسیقی نقشی پررنگ‌تر و ساختارمندتر در پیشبرد روایت داشته باشد. در میان این کاستی‌ها، به‌نظر می‌رسد پارسایی تلاش کرده با تکیه بر



فرزانه متین

روزنامه‌نگار

داستان حماسی سیاوش یکی از باشکوه‌ترین و عمیق‌ترین تراژدی‌های ادبیات جهان است. سیاوش، پسر کی‌کاووس، پادشاه ایران، از همان آغاز زندگی با سرنوشتی تلخ و پرماجرا روبه‌رو می‌شود. زمانی که او متولد شد، پدرش کابوسی هولناک دید. از این‌رو، سیاوش برای پرورش و آموزش به رستم تهمتن سپرده شد تا در کنار آموختن دلاوری و جوانمردی، به جنگاوری شایسته تبدیل شود. او پس از سال‌ها نزد پدر بازگشت و در کنار او قرار گرفت تا روزی تاج سلطنت را بر سر بگذارد.

اما سوادیه، همسر کی‌کاووس و نامادری سیاوش، به او دل بست. سیاوش که حاضر نبود به خواسته‌های سودابه تن بدهد، با اتهام ناروا و توطئه او روبه‌رو شد. کی‌کاووس که از این ماجرا به خشم آمده بود، برای اثبات پاکدامنی یا گناهکاری سیاوش، دستور داد انبوهی از هیزم فراهم کنند تا او سوار بر اسب از میان آتش بگذرد. قرار بود اگر سیاوش از این آزمون جان سالم به‌در ببرد، پاکدامنی‌اش اثبات شود. سیاوش سوار بر اسب از میان آتش گذشت، بی‌آنکه آسیبی ببیند؛ بدین‌ترتیب، بی‌گناهی او آشکار شد.

در ادامه، افراسیاب، پادشاه توران، به ایران لشکر کشید و کی‌کاووس، سیاوش را برای مقابله با او فرستاد. سیاوش به‌جای ادامه جنگ، با افراسیاب صلح کرد و در توران ماند. او با فرنگیس، دختر افراسیاب، ازدواج کرد و در یکی از شهرهای توران ساکن شد. سیاوش آن شهر را به سرزمینی آباد و آرام تبدیل کرد؛ به‌گونه‌ای که مردم به او علاقه‌مند شدند و احترامش می‌گذاشتند. اما گرسیوز، برادر افراسیاب، به او حسادت ورزید و با بدگویی و دسیسه، بدر بگمانی را در دل افراسیاب کاشت. سرانجام، افراسیاب فرمان قتل سیاوش را صادر کرد و گرسیوز او را به قتل رساند. پس از مرگ سیاوش، فرزندی کی خسرو از فرنگیس متولد شد؛ فرزندی که بعدها برای خون‌خواهی پدر بپا خاست. آنچه خواندید، روایتی فشرده از داستان سیاوش، یکی از شخصیت‌های برجسته شاهنامه

درباره چگونگی آغاز یک پروژه تازه نویسنده‌ی نیز بار دیگر تکرار کرد: «از میانه شروع کنید. این تنها قاعده‌ای است که دارم». وقتی مصاحبه‌کننده از او خواست این توصیه را بیشتر توضیح دهد، گفت: «هر معنایی که می‌خواهید از آن برداشت کنید؛ میانه را پیدا کنید و از همان‌جا شروع کنید».

**زندگی خسته‌کننده است**

کارسون که در حوزهٔ ادبیات و زبان‌های کلاسیک نیز فعالیت داشته است، در پاسخ به پرسشی دربارهٔ منابع الهام خود تنها یک نام را مطرح کرد: «هومر!» مصاحبه‌کننده با اشاره به این‌که او از داستان‌های کلاسیک در آثارش استفاده کرده و آن‌ها را در بستری امروزی قرار داده است، پرسید چرا این داستان‌ها هم‌چنان برای مخاطبان امروز اهمیت دارند و کارسون در پاسخی متفاوت گفت: «اهمیتی ندارند. فکر نمی‌کنم به مرتبط بودن علاقه‌ای داشته باشم. چیزی که برابم اهمیت دارد این است که ما برای آن‌ها مرتبط باشیم». این پاسخ، نگاه متفاوت او به رابطهٔ ادبیات کلاسیک و جهان معاصر را نشان می‌دهد؛ نگاهی که به‌جای اصرار بر امروزی کردن آثار گذشته، بر ضرورت یافتن نسبتی میان انسان امروز و جهان ادبیات کلاسیک تأکید دارد.

در بخش دیگری از مصاحبه، جنی ریدن به اظهارات پیشین کارسون دربارهٔ اهمیت پرهیز از مال و بی‌حوصلگی اشاره کرد و از او پرسید چرا این موضوع برایش اهمیت دارد و کارسون پاسخ داد: «خب، هیچ‌کس دوست ندارد حوصله‌اش سر برود، مگر نه؟ شما سعی نمی‌کنید از آن دوری کنید؟ آن‌قدرها هم مهم نیست. فقط یکی از معیارهایی است که بر اساس آن تصمیم می‌گیرم در

حضور بازیگران شناخته‌شده و توانمند، بخشی از ضعف‌های اجرا را جبران کند؛ تلاشی که در مورد برخی بازیگران نتیجه‌بخش بوده، اما در انتخاب بازیگر نقش اصلی با چالشی جدی روبه‌رو شده است. بهرام رادان در نقش سیاوش، نه‌تنها توانسته است به شخصیت اسطوره‌ای شاهنامه نزدیک شود، بلکه بازی او به یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف این کنسرت‌نمایش تبدیل شده است.

**نمایش نمایشگران**

با وجود کاستی‌های یادشده، نمی‌توان از بازی‌های قابل‌توجه برخی دیگر از بازیگران چشم‌پوشی کرد. شهرام حقیقت‌دوست در نقش گرسیوز، برادر افراسیاب، یکی از نقاط قوت اصلی اجراست. هماهنگی میان ادای دیالوگ‌ها و حرکات بدن او تحسین‌برانگیز



گزارش: سینمای جهان

## ملکه گیشه

### فیلم «وریتی» با بازی آن هاتاوی، صدرنشین فروش

فیلم «وریتی»، پنجمین فیلم آن هاتاوی در سال ۲۰۲۶، در نخستین آخر هفته اکران ۳۳ میلیون دلار فروش کرد؛ آن‌هم پس از آنکه «شیطان پرادا می‌پوشد ۲» و «ادیسه» نیز صدرنشین گیشه شدند. تا پیش از امسال، آن هاتاوی، بازیگر برنده اسکار، نزدیک به یک دهه در فیلم‌های بزرگ استودیویی حضور نداشت؛ اما بازگشت او به این عرصه، شکلی چشمگیر و باشکوه به خود گرفت.

هاتاوی از ماه آوریل تاکنون در پنج فیلم مهم بازی کرده است و با موفقیت «وریتی» در آخر هفته گذشته، به‌نظر می‌رسد نخستین بازیگری باشد که در یک سال، نقش اصلی سه فیلم را برعهده داشته که هر سه در نخستین آخر هفته اکران خود به صدر جدول فروش سینماها رسیده‌اند. «وریتی»، اقتباسی از رمانی به همین نام نوشته کالین هورر، در نخستین آخر هفته اکران خود حدود ۳۳ میلیون دلار فروش کرد و با اختلاف ۲۵ میلیون دلار، فیلم «دیگر»، کمدی هجوم‌آیز با محوریت مسائل زیست‌محیطی و با بازی تام کروز را پشت‌سر گذاشت. هاتاوی در این تریلر روان‌شناختی نقش وریتی کرافورد، رمان‌نویسی را بازی می‌کند که پس از یک تصادف رانندگی در وضعیت کاتاتونیا با بهت‌زدگی و بی‌حرکتی شدید قرار می‌گیرد. داکوتا جانسون نیز نقش نویسنده‌ای را ایفا می‌کند که برای تکمیل آثار کرافورد استخدام شده است. مسیر موفقیت‌های هاتاوی از ماه مه آغاز شد؛ زمانی‌که او با بازگشت به نقش اندی ساکس، روزنامه‌نگار آشفته اما باهوش فیلم «شیطان پرادا می‌پوشد ۲»، نخستین فیلم صدرنشین گیشه خود در سال جاری را رقم زد. او در ماه ژوئیه نیز با بازی در نقش پنه‌لو به در فیلم «ادیسه» ساخته کریستوفر نولان، این موفقیت را تکرار کرد. قرار گرفتن سه فیلم از یک بازیگر در صدر جدول فروش آخر هفته افتتاحیه، در یک سال میلادی، دستاوردی آسان نیست. تعیین سابقه دقیق چنین اتفاقی چندان ساده به‌نظر نمی‌رسد، اما جیم کری در سال ۱۹۹۴ با فیلم‌های «ایس ونچورا: کلز آگاه حیوانات»، «ماسک» و «احق و احمق‌تر» به این موفقیت دست یافت. ۱۰ سال بعد، در سال ۲۰۰۴، بن استیبلر نیز با سه فیلم «پالی همراه شد»، «دوجبال: داستان یک بازنده واقعی» و «ملاقات با خانواده فوکر» چنین رکوردی را ثبت کرد. بازیگران بسیاری در طول یک سال در بیش از یک فیلم صدرنشین گیشه حضور داشته‌اند، اما در برخی موارد، نقش‌آفرینی آنها به حضور افتخاری یا نقش‌های کوچک محدود بوده است.



با هر معیاری که در نظر بگیریم، هاتاوی سال پرکاری را پشت‌سر گذاشته است. «وریتی»، پنجمین و آخرین فیلم او در سال ۲۰۲۶ پس از ایفای نقش شخصیت اصلی در فیلم «مادر مری» در ماه آوریل، حضور در «شیطان پرادا می‌پوشد ۲» در ماه مه و بازی در «ادیسه» در اواسط ژوئیه اکران شد. هاتاوی در ماه اوت نیز در فیلم ماجراجویانه دایناسوری «پایان خیابان اوک» نقش مادری شجاع را ایفا کرد. او در چند ماه قبل درباره برنامه اکران فیلم‌هایش در سال جاری گفت: «وقتی برای نخستین‌بار برنامه اکران امسال را دیدم، با خودم فکر کردم نکند کسی دارد سر بهسرم می‌گذارد». او به استودیوها گفته بود: «فقط امیدوارم تماشاگران از دیدن چهارم خسته نشوند». اسکات مندلسون، تحلیلگر سابقه سینما که خبرنگارهای درباره فروش فیلم‌ها با عنوان «خارج از جریان اصلی» در پلتفرم ساینسک منتشر می‌کند، معتقد است موفقیت امسال هاتاوی بدروشنی نشان می‌دهد که تماشاگران به‌هیچ‌وجه از دیدن او خسته نشده‌اند. پیش از امسال، آخرین فیلم جریان اصلی هاتاوی که در سینماها اکران شده بود، «هشت یار اوشن» در سال ۲۰۱۸ بود؛ فیلمی که او در کنار بازیگرانی همچون ساندرا بولاک و کیت بلانشت در آن حضور داشت. پس از آن، هاتاوی در مجموعه‌ای از فیلم‌های کوچک‌تر اما قابل‌توجه، ازجمله «جادوگران» در سال ۲۰۲۰ و «غریزه مادرانه» در سال ۲۰۲۴، بازی کرد. کریستینا لین، استاد مطالعات سینما در دانشکده ارتباطات دانشگاه میامی، معتقد است سال موفقیت‌آمیز هاتاوی در گیشه و آنچه می‌توان از آن به‌عنوان «رنسانس» حرفه‌ای او یاد کرد، نشانه‌ای از تقاضای مخاطبان برای فیلم‌هایی است که زنان در مرکز آنها قرار دارند. او گفت: «زنان در سال جاری نقش مهمی در رونق گیشه داشته‌اند». لین برای نمونه به فیلم «بلندی‌های بادگیر» با بازی مارگو رابی، «کمک بفرستید» با نقش‌آفرینی ریچل مک‌آدامز و «روز افشا» با بازی امیلی بلانت اشاره کرد.

البته صدرنشین‌ی پیاپی در گیشه تنها به سخت‌کوشی یک بازیگر یا بازگشت بر قدرت او پس از وقفه‌ای طولانی در حضور در فیلم‌های بزرگ استودیویی بستگی ندارد. لین گفت: «فروش یک فیلم در آخر هفته ممکن است به عوامل متعددی وابسته باشد و شانس نیز یکی از آنهاست». به گفته او، انتخاب هوشمندانه زمان اکران از سوی استودیوها و حضور بازیگران مکملی که جذابیت فیلم را افزایش می‌دهند، می‌تواند به این خوش‌اقبالی کمک کند. به اعتقاد لین، عوامل دیگری نیز در موفقیت فیلم‌ها نقش دارند؛ ازجمله اعتبار و جایگاه کارگردان و وجود مخاطبانی آماده برای تماشای فیلم. این مخاطبان ممکن است از قبل به دلیل دنباله بودن یک اثر یا اقتباس آن از کتابی پرفروش به تماشای فیلم علاقه‌مند باشند.

طی روزهای اخیر خبر می‌رسد که هاتاوی رسماً در مرخصی زایمان به‌سسر می‌برد. او سومین فرزند خود را باردار است. این ستاره سینما اخیراً گفته بود که پس از اکران «وریتی» قصد دارد در میان ستونی از دود ناپدید شود: «دیگر مرا نخواهید دید، مگر اینکه مجبور شوید».



آن هاتاوی در مراسم نوبل صلح ۲۰۲۶

کارت پستالی با جملاتی کوتاه که پشت آن‌ها نوشته شده بود، برای خانواده‌اش می‌فرستاد. چند بار هم در تماس تلفنی چند دقیقه‌ای با آن‌ها صحبت کرد. روزی تلفن زنگ زد و خانواده کارسون خبر مرگ او را در کپنهاگ دریافت کردند. کارسون عکس‌هایی را که از این برادر داشت و تازه فوت کرده بود و به سختی او را می‌شناخت، و هم‌چنین نامه‌هایی را که برایش فرستاده بود، جمع کرد و قطعاتی از خاطراتش از او را همراه تحلیلی از شعری از کاتولوس نوشت. او در این نوشته‌ها تأملاتی در مورد هردود و تاریخ و یادداشت‌های بسیار شخصی در مورد درد و فقدان، یادآور «خاطرات سوگواری» رولان بارت، اضافه کرد».

به اعتقاد این نویسنده و مترجم فرانسوی، خلاقیت رسمی کارسون نباید ما را به فراموشی بُعد سیاسی قدرتمند اثر او سوق دهد: «در «زندگی‌نامه سرخ»، او از شاعر باستانی استسیکوروس الهام می‌گیرد تا داستان هیولایی را که توسط هرکول در طول ۱۲ خوان کشته شد، روایت کند. او ترجیح می‌دهد داستان هیولا، قربانی، را به‌جای تکرار داستان قهرمان، جلاد، تعریف کند. او داستانی را تصور می‌کند که در آن هرکول جوان و گریون رابطه ویرانگری دارند. کارسون در کتاب‌هایش اغلب خود را در جایگاه شکست‌خورده قرار می‌دهد».

این نویسنده فرانسوی، مترجم و منتقد ادبی، در سال ۲۰۲۴، جایزه نوبل صلح را دریافت کرد. او در سال ۲۰۲۳، جایزه نوبل ادبیات را دریافت کرد.

به بیانی متناسب با جهان حماسی شاهنامه است؛ چالشی که در نهایت، بازی او را از شخصیت‌مورد انتظار دور نگه می‌دارد. سیاوش تنها یک قهرمان جنگاور نیست؛ او شخصیتی است که پاکدامنی، خوشبخت‌داری، صلح‌طلبی و نوعی صلابت درونی، هویت اسطوره‌ای‌اش را شکل می‌دهند. ایفای چنین نقشی به بازیگری نیاز دارد که بتواند حتی در سکوت و مکث، اقتدار و متانت شخصیت را منتقل کند و در ادای دیالوگ‌ها نیز به لحنی متناسب با فضای حماسی اثر برسد. اما بازی رادان به‌شدت تصنعی به‌نظر می‌رسد و فاصله محسوسی با لحن و بیان مورد انتظار از چنین شخصیتی دارد. در بازی او نشانه‌های کافی از اقتدار و استواری سیاوش دیده نمی‌شود و حتی بازآفرینی سیعای این قهرمان نیز به نتیجه مطلوب نمی‌رسند. این در حالی است که «سیاوش» نخستین تجربه رادان در چنین فضایی نیست و او پیش‌تر در پروژه‌های «سی» و «سی‌زد» نیز حضور داشته است. با این‌حال، تجربه‌های قبلی او نتوانسته‌اند به شکل‌گیری اجرایی متناسب با ظرافت‌ها و ویژگی‌های یک روایت حماسی در این نمایش کمک کنند. سیاوش در اجرای پارسی، شخصیتی کم‌رقم و فاقد نیروی درونی لازم برای شپسرد تراژدی است. هر بار که او وارد صحنه می‌شود، به‌جای آنکه حضورش به روایت قدرت ببخشد، از ضرابهنگ اجرا کاسته می‌شود. این مسئله به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که سیاوش محور اصلی داستان است و بخش عمده‌ای از بار عاطفی و معنایی اثر بر دوش او قرار دارد. هنگامی که بازیگر نقش اصلی نمی‌تواند با جهان شخصیت ارتباط برقرار کند، این ضعف به‌تدریج به کلیت روایت نیز سرایت می‌کند. رادان در این اجرا بیش از آنکه به قهرمانی اسطوره‌ای شباهت داشته باشد، یادآور همان ستاره سینمایی است که مخاطب از نقش‌های پیشین‌اش می‌شناسد. پرستیز و حضور ظاهری او جایگزین آن صلابت درونی و باورپذیری‌ای شده که برای ایفای نقش سیاوش ضرورت دارد؛ قهرمانی که برای حفظ ایران و پرهیز از خونریزی، راه صلح را انتخاب می‌کند و سرانجام نیز قربانی بدگمانی و توطئه می‌شود. در نهایت، کنسرتنمایش «سیاوش» با وجود برخورداری از بازی‌های خوب شهرام حقیقت‌دوست، آزاده صدقی، مهدی سلطانی و الهام نامی، نتوانسته از ظرفیت‌های دراماتیک یکی از بهترین تراژدی‌های شاهنامه بهره کامل برد. شتاب در روایت، ضعف در انسجام دراماتورژیک و ناتوانی بازیگر نقش اصلی در بازآفرینی قهرمان اسطوره‌ای، مانع از آن شده که داستان سیاوش با تمام شکوه و اندوهش بسر صحنه جان بگیرد. حاصل کار، اجرایی است که در لحظاتی به لطف بازی برخی بازیگران درخشان می‌شود، اما در کلیت خود از دستیابی به یک روایت منسجم و تأثیرگذار بازمی‌ماند.

ادوارد لویی یکی از بزرگ‌ترین نقاط قوت کارسون را این می‌داند که برخلاف بسیاری از نویسندگان معاصر دیگر، سعی نمی‌کند «ادبیات بسازد» و می‌نویسد: «گاهی اوقات در آثارش ابرها صحبت می‌کنند و گاهی اوقات هیولاها؛ گاهی اوقات، وسط مجموعه‌ای از شعرهایش، اجازه می‌دهد کاترین دنووی خیالی روایت را به دست بگیرد. گاهی نامه‌ای به خوابی که خودش دیده می‌نویسد و گاهی اوقات یادداشت‌هایی را که روی دستش نوشته، منتشر می‌کند. او درباره هومر می‌نویسد، و در کنارش دربارهٔ رزالدیا؛ دربارهٔ برشت می‌نویسد و در کنارش دربارهٔ مریلین مونرو». به اعتقاد این نویسنده فرانسوی در آثار کارسون همان‌طور که شکسپیر در «هملت» می‌نویسد؛ زمان وارونه است و از هم‌گسیخته: «این یکی از عجیب‌ترین جنبه‌های کار اوست که از همان اولین باری که کتابی از او در دست گرفتم، من را مجذوب خود کرد». لویی یکی از غم‌انگیزترین متون کارسون را «ناکس / NOX» می‌داند: «در این کتاب، او داستان برادرش، یا بهتر بگویم، داستان غیبت برادرش را تعریف می‌کند. وقتی برادرش خیلی جوان بود، توسط دادگاهی در کانادا محکوم شد. او به‌جای رفتن به زندان، فرار کرد و دهه‌ها با هویت جعلی در اروپا و آسیا پنهان شد. در طول دوران ناپدید شدنش، گاهی اوقات نامه‌ای کوتاه یا

کمک می‌کند. رستم، به‌عنوان نماد قدرت و پهلوانی، به حضوری نیاز دارد که بتواند وزن اسطوره‌ای شخصیت را منتقل کند و سلطانی در این زمینه عملکرد قابل‌قبولی دارد. الهام نامی در نقش فرنگیس، دختر افراسیاب و همسر سیاوش نیز توانسته است وجه عاشقانه و آسیب‌پذیر شخصیت خود را به‌خوبی نشان دهد. فرنگیس در دل تراژدی سیاوش، شخصیتی است که عشق و اندوه را همزمان تجربه می‌کند و نامی با پرهیز از اغراق‌های احساسی، می‌کوشد این وضعیت را به شکلی کنترل‌شده به نمایش بگذارد. سابقه فعالیت او در تئاتر و آشنایی‌اش با ظرافت‌های بازی روی صحنه، در انتقال اندوه، عشق و اضطراب این شخصیت مؤثر است. رایان سرلک، بازیگر ۱۳ ساله‌ای که نقش کودکی سیاوش را برعهده دارد نیز بازی درخشانی از خود به نمایش می‌گذارد. حضور او در بخش آغازین و پایانی داستان، زمینه آشنایی مخاطب با سال‌های نخست زندگی قهرمان را فراهم می‌کند و توانایی‌اش در ایفای این نقش، از نکات مثبت اجراست.

##### دور شدن از اسطوره

بسا این‌همه، شاید مهم‌ترین پاشنه‌آشیل کنسرتنمایش «سیاوش»، بازی ناهماهنگ بهرام رادان در نقش اصلی است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های رادان در این اجرا، ناتوانی در رسیدن به این‌همه، شایده مهم‌ترین پاشنه‌آشیل کنسرتنمایش «سیاوش»، بازی ناهماهنگ بهرام رادان در نقش اصلی است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های رادان در این اجرا، ناتوانی در رسیدن

است و حضورش به صحنه‌ها جان می‌بخشد. حقیقت‌دوست با تسلط بر نقش، توانسته است شخصیتی تأثیرگذار خلق کند؛ تا جایی‌که در صحنه‌های غیبت او، گاه از انرژی اجرا کاسته می‌شود و ریتم داستان افت می‌کند. از سوی دیگر، انتخاب آزاده صدقی برای ایفای نقش سودابه، با توجه به پیچیدگی‌های این شخصیت، انتخابی جسورانه است. سودابه در جهان شاهنامه شخصیتی چندوجهی است که میل، قدرت‌طلبی و حسادت در شکل‌گیری سرنوشت او نقش دارند. صدقی با استفاده از ظرفیت‌های صدا، لحن و حرکات بدن، می‌کوشد احساسات متناقض این شخصیت را به تماشاگر منتقل کند. او در ادای دیالوگ‌ها و استفاده از مکث‌های حساب‌شده، تسلط قابل‌توجهی دارد و در لحظات حساس، توجه تماشاگر را به‌خود جلب می‌کند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای صمدی در ایفای این نقش، خنده‌های شیطنت‌آمیز و گاه تهدیدآمیز اوست که به شخصیت سودابه وجهی متفاوت می‌بخشد. اقتدار بازی او صرفاً به حرکات اغراق‌شده وابسته نیست؛ بلکه حضورش به صحنه وزن می‌دهد و به مخاطب اجازه می‌دهد تناقض‌های رفتاری سودابه را دنبال کند. مهدی سلطانی نیز در نقش رستم تهمتن، توانسته است بخشی از صلابت و اقتدار این پهلوان اسطوره‌ای را به نمایش بگذارد. هیبت ظاهری و گرم او از مؤلفه‌های مهم شکل‌گیری این شخصیت هستند و تسلطش بر بیان و لحن، به باورپذیری نقش



**دیدگاه: یادداشت اقتصادی**

## مشاور موافق

**آیا هوش مصنوعی مشاور مالی خوبی می‌شود؟**

| <div>مهتا معرفت</div>  |
|------------------------|
| <span></span>          |
|                        |
| <div>گروه اقتصاد</div> |

معامله‌گری را تصور کنید که پس از چند روز بررسی یک سهم، تصمیم به خرید گرفته اما هنوز مردد است. از هوش مصنوعی می‌پرسد: «این سهم ظرفیت رشد دارد؛ بهترین نقطه ورود کجاست؟» چند ثانیه بعد، پاسخی منظم دریافت می‌کند؛ محدوده خرید، حد ضرر، اهداف قیمتی و توضیحاتی درباره مدیریت سرمایه. تردید او کاهش می‌یابد و معامله انجام می‌شود. اما یک پرسش اساسی بررسی نشده است. اینکه آیا شواهد کافی برای خرید وجود داشت؟ شاید ماشین فقط تصمیم قبلی معامله‌گر را به برنامه‌ای دقیق تبدیل کرده باشد. در این موقعیت، دو سوگیری یکدیگر را تقویت می‌کنند. نخست، «سوگیری تأیید» در انسان است که تمایل به جست‌وجوی اطلاعاتی که باور موجود را تأیید می‌کنند و کم‌اهمیت شمردن شواهد مخالف، سرمایه‌گذار ظاهراً مشورت می‌گیرد اما ممکن است در عمل دنیال مجوزی برای اجرای تصمیم خود باشد. نحوه طرح پرسش نیز این گرایش را آشکار می‌کند. سوال «چرا این سهم رشد خواهد کرد؟» با سوال «چه شواهدی به سود و زیان خرید این سهم وجود دارد؟» متفاوت است. پرسش اول، نتیجه را پیشاپیش تعیین می‌کند.

در سوی دیگر، «موافقت‌گرایی» هوش مصنوعی قرار دارد. تمایل احتمالی مدل به همراهی بیش‌ازحد با نظر کاربر. مدلی که برای پاسخگویی مفید و جلب رضایت آموزش دیده ممکن است گاهی میان کمک کردن و تأیید کردن مرز روشنی نکشد. به‌جای بررسی پیش‌فرض کاربر همان پیش‌فرض را بپذیرد و برایش استدلال بسازد. اوپن‌ای‌آی در توضیح یکی از دربرورسانی‌های ناموفق خود در سالل ۲۰۲۵ تأیید افراطی دیدگاه کاربران را مشکلی واقعی معرفی کرد. البته شدت این رفتار در مدل‌ها و موقعیت‌های مختلف یکسان نیست. ترکیب این دو گرایش می‌تواند، چرخه‌ای خطرناک بسازد: انسان فرضیه‌ای مطرح می‌کند، ماشین آن را بسط می‌دهد و انسان، پاسخ ماشین را شاهدی مستقل بر درستی فرضیه خود می‌بیند. درحالی که بخشی از پاسخ، محصول چارچوبی است که خود او به‌گفت‌وگو تحمیل کرده است. معامله‌گر تصور می‌کند، دو تحلیل به نتیجه مشابه رسیده‌اند اما ممکن است فقط یک باور در دو بیان متفاوت تکرار شده باشد. خطر زمانی بیشتر می‌شود که پاسخ با اصطلاحات تخصصی، اعداد دقیق و لحنی مطمئن ارائه شود. اینجا «سوگیری ائوماسیون» نیز وارد می‌شود: اعتماد بیش‌ازحد به نتیجه‌ای که سامانه خود‌کار تولید کرده است. کاربران ممکن است، نظم پاسخ را با اعتبار تحلیل اشتباه بگیرند. یک برنامه معاملاتی می‌تواند بسیار منسجم باشد اما بر فرضی نادرست تکیه کند. تعیین دقیق نقطه ورود و خروج به‌خودی‌خود ثابت نمی‌کند که معامله مزیت دارد. حتی رعایت حد ضرر نیز یک راهبرد ناموفق را سودآور نمی‌کند؛ فقط می‌تواند زیان هر معامله را، در شرایط اجرای مناسب، محدود کند. کیفیت اجرا و کیفیت تصمیم دو موضوع جداگانه هستند. با این حال این ادعا که هوش مصنوعی صرفاً برای عملیاتی کردن ایده‌های انسان، آموزش دیده و نمی‌تواند ایده معاملاتی بدهد، دقیق نیست. مدل می‌تواند فرضیه پیشنهاد کند، الگوها را بررسی کند، کد بنویسد و استدلال کاربر را به چالش بکشد. سامانه‌های تخصصی نیز ممکن است برای تحلیل بازار طراحی شوند. مسئله اصلی فاصله میان «پیشنهاد یک ایده» و «اثبات ارزش اقتصادی آن» است. هر ایده باید با داده معتبر، آزمون روی داده‌هایی که در طراحی راهبرد استفاده نشده‌اند و احتساب هزینه معاملات، نقدشوندگی و ریسک سنجنیده شود. آزمون تاریخی هم به‌تنهایی کافی نیست. ممکن است راهبرد آنقدر با گذشته تنظیم شده باشد که فقط همان گذشته را خوب توضیح دهد. تغییر شرایط بازار، هزینه اجرا یا استفاده ناخواسته از اطلاعات آینده، می‌تواند نتیجه ظاهراً درخشان را بی‌اعتبار کند. هوش مصنوعی ساختن چنین آزمون‌هایی را آسان‌تر می‌کند اما آسان شدن آزمون، خطاهای آن را خود‌کار از بین نمی‌برد. اگر کاربر فقط بهترین نتیجه را بخواهد، ماشین ممکن است به بهینه‌سازی چیزی کمک کند که در معامله واقعی دوام ندارد. مشاوره مالی نیز فراتر از پیش‌بینی قیمت است. تصمیم مناسب به درآمد، بدهی، افق سرمایه‌گذاری، نیاز نقدی و تحمل زیان فرد بستگی دارد. فینرا، نهاد ناظر صنعت مالی آمریکا، هشدار می‌دهد که ابزارهای خود‌کار ممکن است همه این شرایط را در ارزیابی خود لحاظ نکنند. بنابراین ارزش هوش مصنوعی به‌عنوان مشاور زمانی بیشتر می‌شود که پرسش‌های دشوار مطرح کند: چه چیزی این فرضیه را باطل می‌کند؟ قوی‌ترین دلیل مخالفت چیست؟ و آیا شواهد برای اقدام کافی است؟ کاربر باید از ماشین نقد بخواهد، نه صرفاً نقشه اجرا. یک دستیار خوب علاوه بر سرعت دادن به تصمیم باید بتواند از اعتماد بی‌پشتوانه بکاهد.

# توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

# دولت بدهکار

## تأخیر دولت در پرداخت تعهدات چگونه اقتصاد را گرفتار می‌کند؟

| <div>سعید مشهوری</div> |
|------------------------|
| <span></span>          |
|                        |
| <div>گروه اقتصاد</div> |

پیمانکار بخت برگشته مدت‌هاست کارش را انجام داده اما هنوز پولش را نگرفته است. کارگران حقوق می‌خواهند، فروشنده مصالح منتظر وصول چک است و بانک موعد بازپرداخت تسهیلات را یادآوری می‌کند. صورت‌وضعیت هم تأیید شده اما پول هنوز نرسیده است. پاسخ کارفرمای دولتی کوتاه است: «اعتبار تخصیص پیدا نکرده، منتظر بمانید». این انتظار برای دستگاه دولتی در حد یک پرونده باز در حسابداری است اما برای پیمانکار از نان شب هم واجب‌تر است. او برای خرید زمان، پرداخت به دیگران را عقب می‌اندازد. فروشنده مصالح نیز همین کار را با تأمین‌کننده خود می‌کشد و کارگر، پرداخت اجاره یا خریدهای ضروری خانواده را به تأخیر می‌اندازد. به این ترتیب تصمیمی در خزانه دولت به مسئله‌ای در کارخانه، بانک، فروشگاه و خانه تبدیل می‌شود. اقتصاددانان می‌گویند، بدهکار بودن دولت به‌خودی‌خود نشانه اختلال نیست. دولت‌ها برای تأمین مالی زیرساخت‌ها و مدیریت نوسان درآمد‌ها بدهی ایجاد می‌کنند. مسئله زمانی آغاز می‌شود که تعهدی معتبر به موعد پرداخت برسد اما تسویه نشود. بدهی بلندمدتی که سرسید و برنامه بازپرداخت مشخص دارد با طلب سررسیدگذشته یک بیمارستان یا پیمانکار متفاوت است. همچنین ادعای که هنوز بررسی یا تأیید نشده الزاماً بدهی قطعی نیست. این تمایز برای شناخت مسئله اهمیت دارد: موضوع صرفاً بزرگی بدهی دولت نیست؛ بی‌نظمی در پرداخت تعهدات و انتقال هزینه آن به دیگران است. راهنمای مدیریت مالی عمومی صندوق بین‌المللی پول نیز میان تعهدات، بدهی‌های پرداختنی و معوقات پرداخت تفاوت می‌گذارد. نخستین حلقه زنجیره، شکاف میان درآمد حسابداری و پول قابل استفاده است. بنگاه ممکن است قرارداد سودآوری داشته باشد و در صورت‌های مالی خود سود نشان دهد اما نتواند حقوق آخر ماه را بپردازد. طلب از دولت تا زمانی که وصول نشده یا امکان تأمین مالی در برابر آن فراهم نباشد، جای موجودی حساب بانکی را نمی‌گیرد. کارخانه برای خرید مواد اولیه و پیمانکار برای ادامه پروژه، پول امروز را لازم دارد. اگر دریافت پول چند ماه عقب بیفتد، سرمایه در گردش بنگاه در مطالبات حبس می‌شود. بنابراین شرکتی که از نظر اقتصادی امکان ادامه فعالیت دارد، ممکن است صرفاً به دلیل ناهماهنگی زمان دریافت‌ها و پرداخت‌ها گرفتار شود. برای روشن شدن سازوکار، می‌توان مثالی فرضی زد. شرکتی پروژه‌ای را با هزینه ۸۰ میلیارد تومان اجرا کرده و قرار است، بابت آن ۱۰۰ میلیارد تومان دریافت کند. اگر پرداخت به‌موقع انجام شود، شرکت می‌تواند بدهی‌های پروژه را تسویه و برای قرارداد بعدی آماده شود. اما اگر وصول طلب یک سال به تأخیر بیفتد باید هزینه نگهداری نیروی انسانی، تأمین مالی و ادامه فعالیت را از منابع دیگری بپردازد. سود پیش‌بینی‌شده، ممکن است زیر بار این هزینه‌ها از بین برود. حتی دریافت کامل مبلغ قرارداد در پایان سال الزاماً وضعیت شرکت را به نقطه نخست باز نمی‌گرداند؛ زیرا فرصت‌ها، اعتبار تجاری و قدرت خرید منابع آن تغییر کرده است. بنگاه معمولاً ابتدا تلاش می‌کند، کسری نقدینگی را با اعتبار بانکی جبران کند. در این مرحله، تأخیر دولت به افزایش هزینه مالی بخش خصوصی تبدیل می‌شود. شرکت برای پولی که باید از کارفرما می‌گرفت، بهره می‌پردازد و وثیقه می‌گذارد. اگر زمان وصول طلب نامعلوم باشد، بانک نیز نمی‌تواند صرفاً با اتکا به وعده پرداخت دولت، ریسک مشتری را نادیده بگیرد. بنگاه کوچک، که وثیقه و سابقه اعتباری

**دیدگاه: تحلیل اقتصادی**

# تقاضای پایدار

## آیا خریداران می‌توانند روند صعودی بازار را حفظ کنند؟

| <div>نسرین خدادادی</div> |
|--------------------------|
| <span></span>            |
|                          |
| <div>گروه اقتصاد</div>   |

بورس نخستین روز معاملاتی هفته را با دست بالای خریداران آغاز کرد؛ هرچند با افزایش عرضه‌ها، بخشی از رشد اولیه شاخص کل از دست رفت. فروشندگان توانستند، بازار را از اوج روزانه عقب برانند اما جهت معاملات را تغییر ندادند. در پایان معاملات شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۵ رشد هم‌زمان شاخص‌های اصلی، ورود پول و برتری تعداد نمادهای مثبت نشان داد، تقاضا همچنان توان جذب عرضه‌ها را دارد. با ایسن حال بالاتر بودن سرانه فروش نسبت به خرید، نشانه‌ای بود که تصویر صعودی بازار را با احتیاط همراه می‌کرد. شاخص کل بورس با افزایش ۱۳۴ هزار و ۴۰۶ واحدی معادل ۱/۶۵ درصد به ۸ میلیون و ۲۶۵ هزار و ۴۸۶ واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز ۲۲ هزار و

کمتری دارد، ممکن است حتی به این راه‌حل دسترسی نداشته باشد. در نتیجه، یک تأخیر مشابه برای شرکت بزرگ هزینه اضافی ایجاد می‌کند و برای شرکت کوچک، احتمال توقف فعالیت را بالا می‌برد. وقتی اعتبار بانکی کافی نباشد، بنگاه از اعتبار تأمین‌کنندگان استفاده می‌کند؛ مواد اولیه را تسه می‌خرد، چک بلندمدت می‌دهد یا پرداخت صورتحساب‌ها را عقب می‌اندازد. اکنون فروشنده نیز به تأمین‌کننده مالی ناخواسته تبدیل شده است. او باید میان تحمل تأخیر، قطع همکاری یا افزایش قیمت یکی را انتخاب کند. اگر خودش نقدینگی محدودی داشته باشد، تأخیر را به حلقه بعدی منتقل می‌کند. این انتقال می‌تواند چندین بنگاه را درگیر کند اما نباید مبلغ بدهی‌های ایجادشده در تمام حلقه‌ها را با طلب اولیه جمع زد و آن را زیان نهایی اقتصاد نامید. آنچه گسترش می‌یابد، کمبود نقدینگی، هزینه تأمین مالی و احتمال نکول است. حلقه بعدی نیروی کار است. شرکتی که پول فروش را دریافت نکرده، ممکن است اضافه‌کاری را حذف کند، استخدام را متوقف سازد یا پرداخت دستمزد را عقب بیندازد. کارگر نیز معمولاً ذخیره مالیی بزرگی ندارد که چند ماه انتظار را تحمل کند. تأخیر دستمزد، خرید کالا و خدمات را کاهش می‌دهد و بدهی خانوار به صاحبخانه، فروشگاه یا بانک را افزایش می‌دهد. بنابراین مسئله از رابطه دولت و پیمانکار فراتر می‌رود و به تقاضای مصرفی سرایت می‌کند. بنگاهی که هیچ قرارداد دولتی ندارد ممکن است از کاهش خرید مشتریانی آسیب ببیند که درآمدشان در جایی دیگر از این زنجیره متوقف شده است. تورم، فشار این انتظار را بیشتر می‌کند. طلب اسمی بنگاه ممکن است ثابت بماند، درحالی که قیمت مواد اولیه، تجهیزات و هزینه جایگزینی موجودی افزایش یافته است. شرکتی که با پول قرارداد قبلی می‌توانست مقدار مشخصی کالا تهیه کند پس از تأخیر شاید تنها بخشی از همان مقدار را بخرد. اگر قرارداد سازوکار مؤثری برای تعدیل یا جبران تأخیر نداشته باشد، بخشی از ارزش واقعی طلب از بین می‌رود. در چنین وضعیتی، بنگاه هم هزینه استقرار را تحمل می‌کند و هم کاهش قدرت خرید دریافتی آینده را. این دو فشار، نیاز آن به سرمایه در گردش را دوباره افزایش می‌دهند. با تکرار تأخیر، رفتار طرف‌های قرارداد تغییر می‌کند. فروشنده‌ای که انتظار دارد، پولش دیر برسد این احتمال را در پیشنهاد قیمت لحاظ می‌کند؛ پیش‌پرداخت بیشتری می‌خواهد یا از معامله کنار می‌کشد. دولت در ظاهر پرداخت امروز را عقب انداخته اما ممکن است در قرارداد بعدی با قیمت بالاتر و رقابت کمتر مواجه شود. شرکت‌های کم‌توان‌تر از مناقصه خارج می‌شوند و میدان برای بنگاه‌هایی می‌ماند که ذخیره نقدی یا دسترسی بیشتری به اعتبار دارند. راهنمای اجرای بودجه صندوق بین‌المللی پول نیز توضیح می‌دهد که انتظار تأخیر پرداخت می‌تواند به افزودن مبلغی به قیمت پیشنهادی تأمین‌کنندگان منجر شود. پیامد دیگر، سرایت فشار به ترانزانه بانک‌هاست. اگر شرکت نتواند اقساط خود را بپردازد، مطالبات بانک ممکن است معوق شود. تمدید مکرر تسهیلات، مسئله نقدینگی مشتری را الزام‌آ حل نمی‌کند؛ فقط زمان آشکار شدن آن را تغییر می‌دهد. با افزایش ریسک، بانک ممکن است اعتبار تازه را محدود کند و همین محدودیت، فعالیت شرکت را دشوارتر سازد. البته هر تأخیر دولتی به بحران بانکی منتهی نمی‌شود؛ شدت اثر به‌اندازه مطالبات، طول تأخیر و توان مالی بنگاه بستگی دارد. یک مطالعه منتشرشده در مجموعه مقالات کاری صندوق، تأخیر پرداخت‌های عمومی را با افزایش احتمال ورشکستگی، کاهش سود بنگاه‌ها و رشد اقتصادی پایین‌تر مرتبط یافته است. دولت نیز از این زنجیره مصون نمی‌ماند. کاهش تولید و سود بنگاه‌ها می‌تواند، پایه مالیاتی را تضعیف کند؛ تعطیلی شرکت‌ها، اشتغال و درآمد خانوارها را کاهش

می‌دهد و توقف پروژه‌ها، بهره‌برداری از زیرساخت‌ها را عقب می‌اندازد. پروژه نیمه‌تمام ممکن است به حفاظت، تعمیر و تجهیز مجدد نیاز پیدا کند. در نتیجه کمبود منابعی که پرداخت را عقب انداخته بود با کاهش درآمد و افزایش هزینه دوباره تشدید می‌شود. پژوهش‌های مدیریت مالی عمومی، افت درآمد مالیاتی و افزایش هزینه ارائه خدمات را از مسیرهای اثرگذاری معوقات می‌دانند. دولت با عقب انداختن تعهدات، ممکن است بخشی از فشار امروز را به کسری بزرگ‌تر فردا منتقل کند. این چرخه معمولاً پیش از مرحله پرداخت شکل گرفته است. بودجه‌ای که درآمد‌های خوش‌بینانه دارد، پروژه‌ای که بدون اطمینان از تأمین مالی آغاز می‌شود و دستگاهی که بیش از سقف منابع تعهد ایجاد می‌کند، زمینه انباشت معوقات را فراهم می‌کنند. توقف پرداخت در پایان این مسیر، جای کنترل تعهد در ابتدای آن را نمی‌گیرد. برای ارزیابی وضعیت ایران نیز باید روشن شود هر طلب متعلق به کدام دستگاه است، چه زمانی تأیید شده و چه مدت از سررسید آن گذشته است. بدهی دولت مرکزی، شرکت دولتی و شهرداری مسئولیت یکسانی ندارد. راهنمای صندوق، بودجه غیرواقعی‌بانه، ضعف کنترل تعهدات و مدیریت نامناسب‌تقد را از عوامل ایجاد معوقات معرفی می‌کند. راه خروج با ثبت و راستی‌آزمایی مطالبات و انتشار برنامه‌ای معتبر برای تسویه آغاز می‌شود. طلبکار باید بداند چه مبلغی، در چه تاریخی و با چه ابزاری پرداخت خواهد شد. تحویل اوراق می‌تواند طلب نامشخص را به دارایی قابل معامله تبدیل کند اما اوراق بلندمدت معادل پول نقد امروز نیست؛ فروش فوری آن ممکن است، هزینه تنزیل داشته باشد. نهایت نیز تنها در شرایط مشخص و با ثبت شفاف می‌تواند، بخشی از مسئله را حل کند. مهم‌تر از تسویه گذشته، جلوگیری از ایجاد معوقات تازه است: تعهدات جدید باید با ظرفیت پرداخت سازگار باشند. اعتبار دولت زمانی بازسازی می‌شود که موعد پرداخت، قاعده‌ای قابل اعتماد باشد که بنگاه بتواند براساس آن تولید کند، دستمزد بدهد و سرمایه‌گذاری کند.

**جمع‌بندی**

پیمانکار کار را تمام کرده اما دولت پولش را نداده است. او پرداخت به فروشنده مصالح را عقب می‌اندازد؛ فروشنده نمی‌تواند چک تأمین‌کننده‌اش را پاس کند و حقوق کارگران دیر می‌شود. کارگر نیز برای پرداخت اجاره، خرید غذا یا تأمین هزینه درمان قرض می‌گیرد. بدهی‌ای که در حساب‌های دولت مانده به بدهی چندین بنگاه و خانواده تبدیل می‌شود. این زنجیره از یک ناهماهنگی آغاز می‌شود: موعد پرداخت تعهدات بنگاه رسیده اما درآمدش وصول نشده است. طلب از دولت ممکن است در صورت‌های مالی ثبت شده باشد اما یا آن نمی‌توان دستمزد پرداخت کرد یا مواد اولیه خرید. بنگاه برای ادامه فعالیت، وام می‌گیرد و بهره می‌پردازد؛ هزینه‌ای که اگر دولت به‌موقع پرداخت می‌کرد شناید ایجاد نمی‌شد. اگر اعتبار بانکی در دسترس نباشد، پرداخت بدهی به دیگران را عقب می‌اندازد و کمبود نقدینگی در زنجیره تولید، پخش می‌شود. خانوارها نیز همین فشار را تجربه می‌کنند. تأخیر دستمزد، آنها را به خرید تسه، برداشت از پس‌انداز یا دریافت وام سوق می‌دهد. حتی پس از وصول حقوق، بخشی از درآمد باید صرف تسویه بدهی و هزینه تأمین مالی شود. در نتیجه تأخیر امروز می‌تواند، قدرت خرید ماهه‌ای آینده را نیز کاهش دهد. خانواده‌ای که پیش‌تر دخل‌وخرج متعادلی داشت ممکن است بدون افزایش مصرف، بدهکار شود. تورم این فشار را تشدید می‌کند. مبلغ طلب ثابت می‌ماند اما قیمت کالاها بالا می‌رود. پولی که دیر می‌رسد، قدرت خرید کمتری دارد. بنگاه برای جبران، قیمت پیشنهادهای بعدی را افزایش می‌دهد و خانوار از مصرف ضروری خود می‌کاهد. بنابراین دولت با تأخیر پرداخت، بخشی از هزینه کسری نقدینگی خود را به طلبکاران سبب به مردم منتقل می‌کند. البته این پیامد برای همه یکسان نیست؛ بنگاه‌ها و خانواده‌های دارای ذخیره مالی، تاب‌آوری بیشتری دارند. اما برای دیگران بدحسابی دولت می‌تواند آغاز بدهکاری باشد. پرداخت به‌موقع تعهدات، شرط حفظ جریان تولید و جلوگیری از انتقال فشار بودجه به زندگی مردم است.

معاملات، ۲ هزار و ۱۸۴ میلیارد تومان ورود خالص پول به سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی ثبت شد. این جریان در کنار رشد شاخص‌ها، نشانه‌ای مثبت برای بازار بود اما توزیع خریدوفروش تصویر متفاوتی داشت. سرانه خرید ۹۴ میلیون تومان و سرانه فروش ۱۰۴ میلیون تومان بود؛ بنابراین متوسط ارزش فروش هر فروشنده از متوسط خرید هر خریدار بیشتر بود. ورود خالص پول و پائین‌تر بودن سرانه خرید الزاماً متناقض نیستند زیرا تعداد خریداران و فروشندگان نیز در محاسبه این دو متغیر نقش دارد. در بخش سفارش‌ها، ارزش سفارش‌های خرید به ۱۲ هزار و ۷۵۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان رسید، درحالی که سفارش‌های فروش ۹۴۰ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان بود. همچنین ۳۴۱ صف خرید در برابر ۷۱ صف فروش تشکیل شد. این ارقام از برتری تقاضای ثبت‌شده حکایت دارند هرچند سفارش‌های موجود الزاماً به معامله قطعی تبدیل نمی‌شوند و امکان تغییر یا لغو آنها وجود دارد. صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج ۴ هزار و ۸۴۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان پول مواجه شدند. این خروج را نمی‌توان به‌طور کامل معادل انتقال منابع به سهام دانست. برای روزهای آینده، مسئله اصلی توان بازار در حفظ تقاضا پس از رشد اخیر است. ادامه ورود پول، پایداری ارزش معاملات و واکنش خریداران به عرضه‌های تازه روشن خواهد کرد که صعود دیروز تا چه اندازه قابلیت تداوم دارد.



# قصورهای مرگبار

## سازندگی قصورهای پزشکی در پنج سال اخیر را بررسی کرده است



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

چهار عضو تیم درمان بیمارستان کوثر ایلام در پرونده مرگ دو مادر باردار، بر اساس نظریه پزشکی قانونی، مرتکب قصور شده‌اند. دادستان ایلام اعلام کرده پزشک معالج، متخصص بیهوشی، متخصص قلب و پرستار برای پیگیری قضایی احضار خواهند شد. دو مادر واسط تیرماه در فاصله‌ای کوتاه جان باختند و بررسی پرونده آنان اکنون به تعیین سهم اعضای تیم درمان رسیده است. عبدالوهاب بخشنده، دادستان ایلام، سهم قصور پزشک معالج را ۱۷ درصد، متخصص بیهوشی را ۹ درصد، متخصص قلب را ۸ درصد و پرستار را ۷ درصد اعلام کرده است. به گفته او، وضعیت پرخطر دو بیمار نیز در ارزیابی پزشکی قانونی لحاظ شده است. در ایلام بررسی کارشناسی به قصور چهار عضو تیم درمان رسیده است. در پرونده‌های دیگری طی پنج سال، رسیدگی به شکایت بیماران، مسئولیت بیمارستان و نظارت بر تولید دارو را هم به میان آورده؛ از ناپینا شدن ۹ بیمار در یک روز تا مرگ بیماران دیالیزی پس از مصرف محلول آلوده.

### افزایش پرونده‌ها و محکومیت‌ها

در سال ۱۴۰۰ پزشکی قانونی ۱۲ هزار و ۱۲۰ پرونده قصور پزشکی را بررسی کرد. در آمار اعلام‌شده ۵ هزار و ۵۸۳ مورد به محکومیت و ۶ هزار و ۵۳۷ مورد به تبرئه انجامید. سال بعد شمار پرونده‌ها به ۱۲هزار و ۴۴۵ رسید که ۵ هزار و ۷۱۲ مورد آن در گروه محکومیت قرار گرفت. برای سال ۱۴۰۳ عباس مسجدی، رئیس سازمان

### میراث

## مترو در حریم عتیق

### اداره کل میراث فرهنگی اصفهان عبور مترو از حریم مسجد عتیق را مشروط به رعایت الزامات حفاظتی امکان‌پذیر دانست

**گروه اجتماعی:** عبور خط ۲ متروی اصفهان از کنار مسجد جامع عتیق، پس از سال‌ها اعتراض و بررسی به آستانه تصمیم تازه‌ای رسیده است. مدیرکل میراث فرهنگی استان می‌گوید مطالعات، اجرای طرح را بر رعایت الزامات حفاظتی امکان‌پذیر دانسته‌اند. در مقابل، معماران و باستان‌شناسان درباره آسیب به مسجد و بناهای تاریخی مسیر هشدار می‌دهند؛ اختلافی بر سر تونلی که قرار است از نزدیکی یکی از مهم‌ترین آثار جهانی ایران بگذرد. گزینه مطرح شده از زیر میدان امام علی و خیابان علامه مجلسی در عمق حدود ۲۵ متر عبور می‌کند. فاصله مسیر با مسجد در گزارش‌ها حدود ۲۰ متر یا کمتر اعلام شده است. نگرانی، هم به عملیات ساخت مربوط است و هم به سال‌های حرکت قطار؛ زمانی که ارتعاش باید در مجاورت سازه آجری و فرسوده مسجد مهار شود.

### از تکمیل مطالعات تا اعلام امکان عبور

اول مهر، سیدروح‌الله سیدالعسگری، معاون میراث فرهنگی اصفهان به خبرگزاری مهر گفت، مطالعات شهرداری و مشاور پروژه انجام شده اما کارشناسان پرسش‌ها و نواقصی مطرح کرده‌اند که باید پاسخ داده شود. به گفته او پس از تکمیل پرونده، بررسی در شورای فنی وزارتخانه و با حضور شهرداری و مشاوران ادامه می‌یابد. هشتم مهر، رضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، در بازدید از مسجد، تعیین تکلیف مترو را به مطالعات تخصصی و نظریونسکو پیوند زد. او از تشکیل شورای به‌محوریت استنادار، مهدی جمالی‌نژاد، خبر داد و خواست برنامه اقدامات، مسئولیت دستگاه‌ها و منابع مالی حاکم‌تر ظرف یک ماه آماده شود. یک هفته بعد امیر کریم‌زاده، مدیرکل میراث فرهنگی استان، گفت بررسی‌ها امکان عبور را تأیید کرده‌اند. او به صلاحیت شرکت مطالعه‌کننده استناد کرد و وعده داد، میراث فرهنگی بر ضوابط حفاظتی نظارت کند. کریم‌زاده همچنین از بررسی مطالعات مترو و مطالعه راستی‌آزمایی میراث فرهنگی در جلسه تخصصی وزارتخانه خبر داد. اعلام امکان اجرا، به این ترتیب پیش از جمع‌بندی نهایی شورا مطرح شده است. رسانه‌ها این موضع را «چراغ سبز» میراث فرهنگی توصیف کرده است. در توضیحات رسمی، تصمیم نهایی به بررسی دو مجموعه مطالعه وابسته شده؛ موضوعی که نقش ارزیابی مستقل را در انتخاب مسیر و تعیین شروط اجرا برجسته می‌کند.

### مسجدی که فقط یک ساختمان نیست

مسجد جامع اصفهان در سال ۲۰۱۲، برابر با ۱۳۹۱، در فهرست میراث جهانی ثبت شد. یونسکو آن را مجموعه‌ای از ۱۲ قرن تحول معماری معرفی می‌کند؛ با آثار دوره‌های عباسی، آل‌بویه، سلجوقی، ایلخانی، تیموری و صفوی. چهار ایوان و گنبد‌های آن در شکل‌گیری معماری مساجد دیگر اثر گذاشته‌اند. ارزش مسجد به دیوارها و گنبد‌هایش محدود نمی‌شود. ارتباط آن با بازار و بافت تاریخی، بخشی از اصالت اثر است. یونسکو در معرفی رسمی بنا، آن را در برابر پروژه‌های توسعه پیرامونی آسیب‌پذیر می‌داند و بر ارزیابی جامع اثرات میراثی تأکید می‌کند. بررسی مترو باید ایستگاه‌ها، ورودی‌ها، حفاری‌ها و تغییرات اطراف مسجد را نیز در بر بگیرد.

### هشدار درباره ۷۰ بنای تاریخی

غلامحسین معماریان، معمار و پژوهشگر با استناد به مطالعات مسیر، هشدار داده بیش از ۷۰ بنای تاریخی تحت‌تأثیر خط ۲ قرار می‌گیرند و مسجد جامع و حدود ۴۰ بنای دیگر با خطر تخریب روبه‌رو می‌شوند. او ارتعاشات مداوم را عامل ترک‌خوردگی و آسیب سازه‌ای می‌داند و خواستار بازنگری در مسیر شده است. این هشدار، دامنه بررسی را به کل بافت تاریخی می‌کشاند. در ارزیابی بر بنا، وضعیت مصالح، پی، فاصله از تونل و شدت ارتعاش اهمیت دارد. راهنمای فنی اداره حمل‌ونقل عمومی آمریکا نیز برای ساختمان‌های شکننده، بررسی ویژه توصیه می‌کند و حفاری نزدیک سازه‌های حساس را نیازمند ارزیابی عددی می‌داند. عمق ۲۵ متر به‌تنهایی معیار ایمنی نیست. انتقال لرزش به جنس خاک، ویزگی تونل و سازه وابسته است. خطر دوره ساخت نیز باید جدا از حرکت قطار بررسی شود؛ حفاری می‌تواند بر زمین اطراف و نشست سازه‌ها اثر بگذارد، درحالی که بهره‌برداری مسئله تکرار ارتعاش را پیش می‌کشد.

گزارش ایرنا از نم مژمن جدارها و فرسودگی ملات میان آجرهای مسجد سخن گفته و استحکام‌بخشی را ضروری دانسته است. در چنین وضعی، محاسبات باید وضعیت موجود بنا را مبنای بگیرد؛ همراه با ثبت ترک‌ها، پایش تغییرات و تعیین حدودی که عبور از آنها مستلزم توقف عملیات باشد. وعده رعایت استنادار بدون مشخص کردن این حدود و شیوه کنترل آنها برای حفاظت از مسجد کافی نیست.



عضو کمیسیون بهداشت مجلس، گفت تولید متوقف و مواد اولیه آلوده معدوم شده بود اما به دلیل نیاز کشور و تنها تولیدکننده بودن شرکت، تولید از سر گرفته شد. این توضیح، وابستگی تأمین دارو به یک تولیدکننده را هم به پرونده اضافه کرد.

### راه رسیدگی برای خانواده‌ها

پیگیری این شکایت‌ها به دسترسی به کارشناسی پزشکی قانونی وابسته است. رئیس سازمان در گزارش عملکرد سال ۱۴۰۳ گفته بود ۱۵۰ شهرستان دارای حوزه قضایی، مرکز پزشکی قانونی ندارند و مردم برای دریافت خدمات مجبور به پیچیدن مسافت هستند. در پرونده‌های درمانی، خانواده باید مدارک را پیگیری کند، در روند بررسی کارشناسی حضور داشته باشد و رسیدگی قضایی را دنبال کند. نمونه بیمارستان نگاه نشان می‌دهد حتی پس از حکم قطعی مطالبه بخشی از خسارت‌ها می‌تواند به پرونده دیگری برسد. در ایلام پرونده اکنون به احضار اعضای تیم درمان رسیده است. بررسی مسئولیت آنان ادامه خواهد یافت اما پاسخ بیمارستان کوثر و دانشگاه علوم پزشکی نیز اهمیت دارد؛ پس از مرگ این دو زن، چه تغییری در مراقبت از مادران پرخطر داده‌اند؟ اعلام درصد قصور، بخشی از پاسخ درباره گذشته است؛ مادرانی که برای زایمان به کوثر می‌روند، باید بدانند چه اقدامی برای جلوگیری از تکرار آن انجام شده است.

### آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۱۸۶-۱۴۰۵/۰۶/۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم بتول بحرینی فرزند احمد به شماره شناسنامه ۱۸۵۷۵-۳۵۱۰۱۰ و شماره ملی ۱۸۵۷۵-۳۵۱۰۱۰ صادره از دشتستان در قسمتی از شش دانگ یکپاک خانه به مساحت ۱۲۰ متر مربع پلاک ۱۵۲ فرعی از ۳۴۰۳ اصلی مفروزی و مجزا شده از ۳۴۰۳/۹ اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری مالک رسمی گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ،دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد./

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۱۹  
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۴

شکرااله سعادت  
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر  
شناسه آگهی ۲۲۹۴۱۵۲

### آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۰۲۱۴۹۶-۱۴۰۵۰۳۱۶۰۰۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک سفر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای آختم محمد زارع فرزند علیرضا بشماره شناسنامه ۹۵۱ صادره از شش دانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۹۳/۲۳ مترمربع به پلاک ثبتی ۱۶۹ کلیایی در گزنهله حوزه ثبت ملک سفر خریداری ازمالک رسمی آقای اعلی آقا همتی محرر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد./

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۱۹  
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۴

پیام حق شناس – رئیس ثبت اسناد و املاک

### وعده نظارت با چه امکاناتی؟

مدیرکل میراث فرهنگی همزمان با دفاع از امکان اجرای مترو از ناکافی بودن بودجه مرمت و کمبود نیرو گفته است. به گفته او اصفهان در یکی از دوره‌های جذب حدود ۱۳۰۰ نیروی میراث فرهنگی سهمی نداشت. او همچنین از هزینه ۱۱ میلیارد تومانی نگهداری چهل ستون و بازنگشتن مستقیم درآمد بناها برای حفاظت انتقاد کرده است. تصمیم شورا باید هزینه پایش، مسئول اجرای حفاظت و اختیار توقف کار را مشخص کند. برای مسجد عتیق، نتیجه جلسه زمانی معنا پیدا می‌کند که امکان عبور قطار با حفاظت قابل سنجش از بنا همراه باشد؛ پیش از آنکه پیشرفت حفاری، تغییر مسیر را به تصمیمی پرهزینه تبدیل کند.

@saazandeginews  
saazandeginews  
www.saazandegi.ir



**سازندگی:** روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی  
زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۲۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

# نماد هم‌افزایی ملی و منطقه‌ای

## چرا منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید بم می‌تواند نمونه‌ای الهام‌بخش در مسیر توسعه ایران باشد؟



مصطفی حمیدیان

فعال اقتصادی

منطقه جنوب‌شرق ایران در دهه‌های گذشته همواره با چالش توسعه‌نیافتگی متوازن مواجه بوده است. تمرکز تاریخی سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در مناطق مرکزی و شمالی کشور باعث شد که استان‌هایی چون کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی عقب‌تر بمانند. در چنین بستری شکل‌گیری منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید بم را می‌توان یکی از مهم‌ترین رویدادهای توسعه‌ای کشور در ایران به‌خصوص در منطقه جنوب‌شرق ایران طی سه دهه اخیر دانست؛ پدیده‌ای که توانست مسیر اقتصاد محلی را از اتکای سنتی به کشاورزی به‌سوی صنعتی شدن و حضور در زنجیره ارزش ملی تغییر دهد.

ایده ایجاد منطقه‌ای صنعتی در بم، ریشه در سیاست‌های توسعه متوازن دولت سازندگی در دهه ۱۳۷۰ داشت. در آن دوره دولت با رویکرد «توسعه بر پایه زیرساخت و بخش خصوصی» در پی گسترش نواحی صنعتی در مناطق کمتر برخوردار بود. استان کرمان با توجه به موقعیت جغرافیایی، منابع انسانی و دسترسی به مسیرهای ترانزیتی در کانون توجه قرار گرفت. در این میان پیگیری‌های محلی و مدیریتی به‌ویژه از سوی مسئولان وقت استان، زمینه را برای تولد منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید فراهم کرد. این منطقه با هدف جذب سرمایه‌گذاری، توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد اشتغال پایدار پایه‌گذاری و به‌تدریج به کانونی برای صنعت خودروسازی کشور بدل شد.

تحول اقتصادی بم با راه‌اندازی نخستین خطوط تولید خودروسازی آغاز شد. شرکت‌هایی مانند کرمان‌موتور، راین خودرو، خودروسازان بم و مدیران خودرو با استفاده از ظرفیت‌های قانونی منطقه ویژه اقتصادی توانستند، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را جذب و هزاران فرصت شغلی مستقیم ایجاد کنند. در کنار این صنایع، صدها واحد خدماتی و پشتیبانی در حوزه‌های حمل‌ونقل، تعمیر و نگهداری، بازرگانی

گردشگری و مسکن شکل گرفت که به‌طور غیرمستقیم از این تحول منتفع شدند. این دگرگونی ساختاری نه‌تنها الگوی معیشت مردم بم را تغییر داد بلکه چهره اقتصادی جنوب‌شرق ایران را نیز دگرگون کرد. توسعه صنعتی ارگ جدید بم با خود، توسعه زیرساختی نیز به همراه آورد. ارتقای مسیرهای دسترسی جاده‌ای، تقویت شبکه برق و گاز، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و ایجاد مراکز آموزش دانشگاهی و فنی‌وحرفه‌ای ازجمله پیامدهای ملموس این طرح بود. نیاز صنایع به نیروی انسانی متخصص، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی را نیز به‌سمت تربیت نیروهای مهندسی و فنی سوق داد. بدین‌ترتیب سرمایه انسانی منطقه به‌تدریج رشد یافت و نوعی هم‌افزایی میان صنعت و آموزش شکل گرفت؛ رابطه‌ای که از الزامات هر توسعه صنعتی پایدار است. از منظر اقتصاد منطقه‌ای، ارگ جدید را می‌توان به‌عنوان یک خوشه صنعتی تلقی کرد. تمرکز واحدهای مرتبط با صنعت خودرو در یک پهنه جغرافیایی مشخص سبب شکل‌گیری زنجیره‌ای از تولید، تأمین و خدمات شد. بسیاری از قطعه‌سازان کوچک و متوسط با تکیه بر نیازهای شرکت‌های بزرگ مستقر در منطقه وارد چرخه تولید شدند و به‌تدریج ظرفیت‌های فناورانه و مدیریتی خود را ارتقا دادند. علاوه بر آن شرکت‌های حمل‌ونقل، بیمه، مالی و لجستیک در اطراف این خوشه صنعتی رشد کردند و اقتصاد منطقه را چندبعدی‌تر ساختند.

یکی از نکات مهم در تجربه ارگ جدید بم، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری این منطقه در برابر فشارهای خارجی به‌ویژه تحریم‌های بین‌المللی بوده است. در شرایطی که بخش قابل‌توجهی از صنعت خودروسازی دولتی کشور با رکود و توقف مواجه شد، شرکت‌های بخش خصوصی مستقر در ارگ جدید با بهره‌گیری از مدل‌های متنوع همکاری خارجی، توانستند خطوط تولید خود را حفظ کنند. همکاری با خودروسازان آسیایی مانند لیفان، چری و جک و تمرکز بر بومی‌سازی قطعات کلیدی از عوامل اصلی این تاب‌آوری به‌شمار می‌رود. این تجربه نشان داد که ساختارهای خصوصی و رقابتی در مقایسه با ساختارهای دولتی در مواجهه با بحران‌های سیاسی و اقتصادی از انعطاف بیشتری برخوردارند.

زلزله ویرانگر بم در سال ۱۳۸۲ نیز نقطه عطفی در مسیر این منطقه

بود. هرچند خسارات انسانی و زیرساختی آن بسیار سنگین بود اما ارگ جدید توانست با تکیه بر ظرفیت‌های نهادی و مدیریتی خود به‌سرعت روند بازسازی را آغاز کند. حضور صنایع فعال در منطقه، خود به عاملی برای احیای اقتصادی پس‌اززلزه تبدیل شد و به تثبیت جمعیت و بازگشت اعتماد اجتماعی کمک کرد.

در کنار آثار اقتصادی، ارگ جدید بم پیامدهای اجتماعی و فرهنگی قابل‌توجهی نیز بر جای گذاشت. ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار موجب کاهش مهاجرت جوانان از منطقه شد و در مقابل، مهاجرت معکوس از سایر نقاط استان را رقم زد. رشد سطح درآمد و رفاه خانوارها، بهبود خدمات شهری و افزایش حس تعلق اجتماعی از دیگر دستاوردهای این فرآیند بود. از منظر جامعه‌شناسی توسعه، ارگ جدید به الگویی از همگرایی اجتماعی و اقتصادی بدل شد که هویت جدیدی برای بم به‌عنوان شهری صنعتی و مدرن پدید آورد. با این حال تجربه ارگ جدید بم بدون چالش نبوده است. همچنان بخشی از زنجیره تولید خودرو در این منطقه به واردات وابسته است و فعالیت‌های تحقیق و توسعه (R&D) در سطح محدودی قرار دارد. گرچه موتوژن خودرو توانسته، اشتغال و تولید را پایدار نگه دارد اما دستیابی به نوآوری فناورانه و رقابت جهانی مستلزم سرمایه‌گذاری گسترده‌تری در حوزه طراحی و مهندسی است. علاوه بر این رشد سریع صنعتی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق برای حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی منطقه است تا توسعه اقتصادی با توسعه پایدار در تعارض قرار نگیرد.

در افق آینده، تداوم نقش ارگ جدید بم در توسعه جنوب‌شرق ایران مستلزم نگاه راهبردی تازه‌ای است. نخست، حرکت به سمت تولید خودروهای کم‌مصرف و برقی، ضرورتی است که نه‌تنها با تحولات جهانی همسوست بلکه می‌تواند، موقعیت ایران را در زنجیره نوین صنعت خودرو تثبیت کند؛ مسیری که مدیران ارشد خودرویی منطقه با نگاهی پیش‌دستانه اکنون پیشگام این موضوع در ایران هستند. دوم توسعه صنایع قطعه‌سازی و افزایش عمق ساخت داخل باید در اولویت قرار گیرد تا وابستگی به واردات کاهش یابد. سوم، ایجاد زیرساخت‌های لجستیکی پیشرفته، ازجمله توسعه خطوط ریلی و پایانه‌های صادراتی، می‌تواند دسترسی به بازارهای آسیای میانه و خاورمیانه را تسهیل کند.

چهارم، همکاری میان صنعت و دانشگاه، به‌ویژه در حوزه فناوری و مدیریت تولید، باید به‌صورت سازمان‌یافته گسترش یابد تا ظرفیت نوآوری و بهره‌وری افزایش یابد. پنجم، سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های انرژی نو به‌ویژه انرژی خورشیدی است. بم و مناطق اطراف آن با برخورداری از بیش از ۳۰۰ روز آفتابی یکی از مستعدترین نقاط ایران برای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی است. بهره‌گیری از این پتانسیل نه‌تنها هزینه تمام‌شده انرژی مورد نیاز صنعت را کاهش می‌دهد بلکه تداوم و پایداری صنایع را تضمین می‌کند.

از منظر سیاستگذاری، تجربه ارگ جدید بم نشان می‌دهد که هم‌افزایی میان سیاست‌های کلان ملی و مدیریت محلی، کلید موفقیت در توسعه منطقه‌ای است. در این تجربه، سیاستگذاری ملی بر ایجاد بستر حقوقی و قانونی برای جذب سرمایه و توسعه پایدار تمرکز داشت، درحالی که مدیریت محلی با ابتکار و پیگیری مستمر توانست این سیاست‌ها را به‌عمل تبدیل کند. این الگو نمونه‌ای موفق از مشارکت دولت و بخش خصوصی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی به‌شمار می‌رود؛ اقتصادی که بر تاب‌آوری، خودکفایی و اتکای درونی استوار است.

در مجموع، منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید بم را می‌توان نه صرفاً یک شهرک صنعتی بلکه یک تجربه ملی از توسعه متکی بر بخش خصوصی، سیاستگذاری هوشمند و مدیریت بومی دانست. این منطقه توانسته هزاران شغل پایدار ایجاد کند، زیرساخت‌های منطقه‌ای را ارتقا دهد و سهم قابل‌توجهی در تولید ناخالص استان کرمان ایفا کند. مهم‌تر از همه ارگ جدید بم توانسته، نشان دهد که اگر بستر قانونی، اعتماد مدیریتی و حمایت هدفمند فراهم شود، بخش خصوصی ایران قادر است پروژه‌های توسعه‌ای بزرگ را به نتیجه برساند.

بدین‌ترتیب، ارگ جدید بم را می‌توان «نمونه‌ای زنده از هم‌افزایی ملی و منطقه‌ای» دانست؛ الگویی که می‌تواند الهام‌بخش سایر مناطق کشور در مسیر توسعه صنعتی و اقتصادی باشد. تداوم این مسیر نه‌تنها آینده جنوب‌شرق ایران را روشن‌تر می‌کند بلکه می‌تواند سهم بخش خصوصی را در تحقق اهداف کلان اقتصاد کشور به‌طور چشمگیری افزایش دهد.

### نوبت دوم

## آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مشاوران نوبت دوم شماره فراخوان: ۲۰۰۵۰۰۳۷۵۴۰۰۰۰۰۷

سازمان بنادر و دریانوردی

اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان  
مدیریت بنادر و دریانوردی بندر لنگه و غرب استان هرمزگان

- **موضوع خدمات مشاوره:** مطالعه خرید، نصب و راه اندازی تجهیزات شبکه بیسیم دیجیتال (DMR) مدیریت بنادر و دریانوردی بندر لنگه و غرب هرمزگان
- **رشته یا زمینه تخصصی مشاور:**
- ۱. دارای گواهینامه معتبر صلاحیت انفورماتیک مرتبط با برنامه و بودجه کشور با موضوع فعالیت (مشاوره و نظارت بر اجرای طرح های انفورماتیک،فناوری اطلاعات و ارتباطات حداقل رتبه ۵ یا ظرفیت باقی مانده کار مجاز و مبلغ مجاز)
- ۲. دارای پروانه طراحی شبکه های رایوبیی از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه

### قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای های ۳۹۹۲/۰۳۰۳۰۹۰۰۳۰۳۹۸۴ و ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۳۰۳۹۸۳ و ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۳۰۳۹۸۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی آپیک کلاسهای ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۸۲۲ و ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۸۲۵ و ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۸۲۴ و ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۸۲۴ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی خاتم آزاده شیخ حسنی فرزند طهماسب به شماره شناسنامه ۵۲۸ و کد ملی ۵۰۸۹۶۱۰۳۵۵ صادره از آپیک و خاتم بهینا مافی فرزند بهزاد به شماره شناسنامه و کد ملی ۵۰۸۲۱۱۹۹۸۱ صادره از آپیک و آقای اتیلا مافی فرزند بهزاد به شماره شناسنامه و کد ملی ۱۵۴۲۲۳۱۷۱ صادره از تهران هر یک نسبت به دو دانگ مشاع از شش‌دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۴۲۱/۷۱ متر مربع از ۱ پلاک اصلی بخش ۱۶ حوزه ثبت آپیک می باشد احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی وراث خاتم‌فخرالزمان کریم زاده به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا احراز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها: از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست در مراجع قضایی نموده و گواهی آنرا را به اداره ثبت تحویل دهد و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

شناسه آگهی: ۲۲۸۴۷۳۲۲

علی مافی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آپیک  
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۷/۰۴ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۷/۱۹



سازمان بنادر و دریانوردی

- **محل، مهلت و نحوه دریافت اسناد:** از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۹ تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۷ به مراجع به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) امکان پذیر است.
- **محل و مهلت تسلیم پاکت اسناد:** مشاوران باید پیشنهادها را تا ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ در سامانه ستاد بارگزاری نمایند.
- **آدرس:** هرمزگان:بندر لنگه،داره بنادر و دریانوردی بندر لنگه کد پستی ۷۹۷۱۹۴۵۶۹۹ تلفن ۰۷۶۴۴۴۲۸۴۴

### روابط عمومی بنادر و دریانوردی بندر لنگه و غرب هرمزگان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی  
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد  
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

### آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر پرونده شماره ۴۰۱-۱۴۰۵ و رای شماره ۰۵۰۰۸۸۸۸-۳۰۷۰۵۰۵۶۰۳۰۷ مورخه ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ هیات اول دوم/ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم مدینه یزدانی فرزند علی محمد به شماره ملی ۵۴۴۴۰۳۹۶۴۵۴ در شش دانگ عرصه و اعیان یک باب منزل مسکونی به مساحت ۱۲۳۸۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳- فرعی از ۱۲۹- اصلی واقع در اراضی (ملکش) بخش ۲ حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد از محل مالکیت ثبتی آقای محمد علی ملکشی فرزند آدینه قلی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انتقاضی مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۲۹۴۳۹۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۷/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۸/۰۴  
علیرضا حاج محمدی  
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک

### هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقدسند رسمی

برابرای شماره ۳۵۴۲/۰۳۰۳۰۳۰۳۰۳۵۴۲ و ۱۴۰۵۶۰۳۱۶۰۹۰۳۵۴۲ و ۱۴۰۵۶۰۳۱۶۰۹۰۳۵۴۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ستر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خاتم زهرا یابوری فرزند عباسعلی بشماره شناسنامه ۶۲۳ صادره از شش‌دانگ سه قطعه زمین کشاورزی ای بی به مساحت های ۱۶/۳۷۰۴۶ و ۸۰۰۰۳ و ۸۲۵۴/۰۴ مترمربع به پلاک ثبتی ۱۵۱ کلیایی در شاهکدر حوزه ثبت ملک ستر خریداری از مالک رسمی آقایان حاجیمراد بزرگیان و محمد ابراهیم یابوری محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت اعتراضی مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۵۴/ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۱۹ پیام حق شناس- رئیس ثبت اسناد و املاک